

مشی جدید غرب  
و تاثیرات چندسویه آن

چنانچه در گزارش این شماره نشریه کار آمده است، فشار بین المللی بر رژیم اسلامی بشدت افزایش یافته است. این فشارها هم از جانب کشورهای غربی و مجامع بین المللی است و هم از طرف تعدادی از کشورهای منطقه، دامنه این فشارها آنچنان بالا گرفته است که می توان گفت جمهوری اسلامی در طول حیات خود با چنین شدت و ابعادی تحت فشارهای بین المللی نبوده است و این چنین در سطح جهان و در منطقه در حالت انزوا قرار نگرفته بود. در چند ماه اخیر مرتباً بر تعداد کشورها و مجامع بین المللی که به مخالفت با جمهوری اسلامی برخاسته اند، افزوده شده است و اعمال فشارها قلمروهای وسیعتری را در بر گرفته است.

در این چند ماه هماهنگی و همسویی بیشتری در سیاست آمریکا و کشورهای اروپایی نسبت به جمهوری اسلامی بوجود آمده است. در سالهای قبل تفاوت نسبتاً بزرگی در سیاست آندو مشاهده میشد و رژیم نیز تلاش میکرد که از این تفاوت بسود خود بهره برداری کند. ولی نقض مداوم موازین بین المللی، سیاست صدور انقلاب اسلامی و تروریسم، انبار کردن سلاح های مدرن و تلاش برای دستیابی به سلاح هسته ای، اصرار بر اعدام سلمان رشدی و تداوم نقض حقوق بشر منجر به آن شد که کشورهای اروپایی غربی از سیاست مدارا جویانه فاصله گرفته و به سیاست آمریکا نسبت به رژیم اسلامی نزدیکتر شوند. اکنون تا حدود زیادی آمریکا و اروپای غربی سیاست های خود را در رابطه با جمهوری اسلامی هماهنگ میکنند بی آنکه تفاوت منافع متنغی شده باشد.

اسرائیل نیز که در گذشته در جریان جنگ ایران و عراق به انحاء مختلف، خاطر تضعیف عراق، از طریق دلالتها و واسطه ها سلاح بدست آن میرساند، امروز بطرز مشخص به تقابل با جمهوری اسلامی برخاسته و آنرا خطر بزرگ برای صلح جهان و امنیت منطقه قلمداد می کند.

تشدید این فشارها و برخی فاکت های دیگر حاکی از آنست که آمریکا میخواهد عراق را تدریجاً به پشت پرده براند و جمهوری اسلامی را بجلو صحنه بیاورد و آن را در اذهان عمومی دشمن اصلی غرب و "خطرناک ترین پشتیبان تروریسم دولتی" و "یافی بین المللی" جلوه دهد. در طول حیات ۱۴ ساله حکومت اسلامی، آمریکا در هیچ دوره ای مشی سرنگونی آن را در پیش نگرفت و سیاست شلاق و شیرینی را بکار بست. آمریکا از یکسو به جمهوری اسلامی به اشکال مختلف فشار می آورد و از سوی دیگر در خفا برخی عناصر حکومتی بطور مستقیم و یا با واسطه به مذاکره می نشست. آمریکا اگر چه نه در حد کشورهای اروپایی غربی، اما در مجموع طی چند سال اخیر "مواضع میانه رو" را تقویت میکند تا این گرایش قدرت بگیرد.

ولی وضع بعد از انتخابات چهارمین دوره مجلس شورا تغییر یافت و موقعیت رفسنجانی تضعیف و برخورد های تندروانه که خامنه ای آن را نمایندگی میکند، تقویت شده که بدنبال آن رفسنجانی با تن دادن به برخی تمایلات و خواسته های خامنه ای، سیاست های

ادامه در صفحه ۲

فشارهای بین المللی علیه جمهوری اسلامی  
شدت بیشتری یافت

وزیر خارجه آمریکا جمهوری اسلامی را یافی بین المللی خواند

حسنی مبارک جمهوری اسلامی را مسبب ناآرامیهای داخلی مصر اعلام کرد

امریکا و انگلیس اعلام کردند که برکناری صدام حسین را شرط لغو مجازات ها علیه عراق قرار نخواهند داد

اقدام خود را دخالت جمهوری اسلامی در امور داخلی الجزایر از طریق حمایت مالی و لجستیکی تهران از فعالیت های تروریستی بنیادگرایان مسلمان در این کشور اعلام کرد.

همزمان مبارک رئیس رژیم مصر هفته گذشته در جریان سفر خود به چند کشور اروپایی و آمریکا در مصاحبه ها و اظهارات خود حکومت اسلامی را مسبب ناآرامی های داخل مصر معرفی کرد که موجب اختلال در صنعت جهانگردی آن کشور شده است. مبارک گفت همانطور که جمهوری اسلامی برای مصر ایجاد دردسر می کند، مصر نیز قادر است برای حکومت ایران دردسر فراهم نماید.

ادامه در صفحه ۳

وارن کریستوفر وزیر خارجه آمریکا، رژیم جمهوری اسلامی را "یافی بین المللی" خواند. او که دو هفته پیش در کمیته روابط خارجی سنای آمریکا سخن می گفت اعلام کرد که جمهوری اسلامی حق برخورداری از کمک های مالی موسسات پولی بین المللی را ندارد. او گفت آمریکا این نظر خود را به اطلاع دیگر دولتها رسانده است. پیشتر، وزارت خارجه آمریکا در یک بیانیه رسمی، جمهوری اسلامی را "خطرناک ترین رژیم حامی تروریسم" معرفی کرده بود.

چند روز پیش از اظهارات وزیر خارجه آمریکا، دولت الجزایر روابط دیپلماتیک خود را بطور کامل با تهران قطع کرد. شورای دولتی الجزایر دلیل این

فشارهای بین المللی علیه جمهوری اسلامی روزبه روز افزایش می یابد. حمایت رژیم از فعالیت های تروریستی بنیادگرایان مذهبی در دیگر کشورها دلیل عمده دور تاره فشارهای بین المللی بر حکومت جمهوری اسلامی است رژیم جمهوری اسلامی ماهمات بخاطر نقض حقوق بشر، فتوای قتل رشدی، کوشش برای دستیابی به تکنولوژی تولید سلاح هسته ای و فعالیت تروریستی و صدور بنیادگرایی زیر فشار دولتهای غربی و مجامع بین المللی است؛ اما در چند هفته اخیر حکومت اسلامی با فشارهای بیسابقه ای روبرو است و در انزوای شدیدی قرار گرفته است. در تازه ترین حملات و واکنشها علیه جمهوری اسلامی،

مردم از موج جدید گرانی بیمناکند

مقامات دولتی: در سال جاری هیچ چیز گران نخواهد شد

بر اساس سیاست های اقتصادی دولت دامن آنها را خواهد گرفت. این هراس از آینده و گرانی های بیشتر، فضای ملتمسی را در جامعه پدید آورده است. دولت و دیگر ارگان های حکومتی با توجه به فضای عمومی و ناراضی تری شدید و همه گیر می کوشند این اطمینان را در مردم به وجود آورند که سیاست های اقتصادی و به ویژه تک نرخی شدن ارز به افزایش قیمت ها منجر نخواهد شد.

روز هشتم فروردین دولت با صدور دستور العمل به کلیه دستگاه های اجرایی، هرگونه افزایش قیمت به بهانه تک نرخی شدن ارز را ممنوع اعلام کرد. بر اساس این دستور العمل هرگونه تغییر در قیمت محصولات و خدمات دستگاه های تحت نظارت دولت و یا کمک بگیر از دولت بایستی با مجوز قبلی مراجع ذیربط شورای اقتصاد و یا هیئت

ادامه در صفحه ۲

در نخستین روزهای سال نو قیمت نان در تهران به طور ناگهانی افزایش یافت و به ۲ برابر رسید. بدنبال این افزایش قیمت موج وسیعی از ناراضی تری پدید آمد. دولت با توجه به حساسیت موضوع، افزایش قیمت نان را اقدام خودسرانه خواند و ارگانهای مختلف حکومتی با تهدید ناوایان مختلف، اعلام کردند که قیمت های سال گذشته باید اجرا شود. برخورد قاطعانه دولت که از هراس وقوع ناآرامیها صورت گرفت، موجب شد که قیمت ها به حالت قبلی برگردند. اما بسیاری از مردم این گونه اقدامات "خودسرانه" را زمینه ساز بعدی افزایش قیمت ها میدانند و میگویند اگر دولت می خواست در هر موردی می توانست با گرانی ها قاطعانه مقابله کند. عموم مردم با نگرانی و خشم بیمناک روزهای آینده و گرانی های بیشتری هستند که

اعتصاب  
کارگری گسترده  
در تبریز

در روزهای پایانی سال، اعتصاب کارگری وسیعی در تبریز صورت گرفت که در آن کارگران چندین واحد صنعتی مهم شرکت داشتند. این اعتصابها در ادامه خود به راه پیمائی دستجمعی و آرام کارگران از بخش صنعتی شهر به داخل شهر منجر شد. گارد ضدشورش بلافاصله در محل حاضر شده و با بستن خیابانها و محاصره آنها، راه پیمایان را مور ضرب و شتم شدید قرار داد و تعدادی از کارگران را بازداشت کرد.

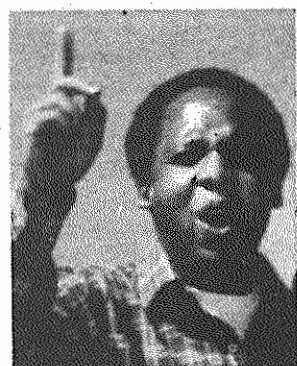
اعتصاب از واحد تراکتورسازی تبریز آغاز شد. کارگران در پی مطلع شدن از خبر پرداخت مبلغی پاداش به مهندسان و پرسنل غیر فنی از سوی مدیریت، با اعتراض به مدیریت بخاطر این ریاکاری، پرداخت همان مبلغ به کارگران را تقاضا کردند. وقتی این تقاضا بی پاسخ ماند، کارگران دست به اعتصاب زدند. خبر اعتصاب بلافاصله در واحدهای صنعتی بلبرینگ سازی، موتورزن، ایدم و ماشین سازی انعکاس یافت و موج

ادامه در صفحه ۲

ترور جنایتکارانه کریس هانی

ر هبر حزب کمونیست آفریقای جنوبی

می خواهند آفریقای جنوبی را در آتش خشم بسوزانند



آفریقای جنوبی را شعله های خشم و نفرت به آستانه انفجار کشیده است. ترور ناجوانمردانه کریس هانی رهبر حزب کمونیست آفریقای جنوبی بدست یک افراطی سفید پوست که بعد از ظهر روز شنبه ۱۰ آوریل صورت گرفت، از جانب عمده ترین رهبران آن کشور و نیز از سوی جهانیان توطئه ای کثیف برای به آتش کشیدن بشکه باروت تلقی شده است.

قاتل چند گلوله پیاپی بسوی کریس هانی شلیک کرد و او را در دم به قتل رسانید. گفته می شود قاتل یکی از فعالین حزب نازیست های آفریقای جنوبی است. پلیس یک سفید پوست ۴۰ ساله را در ژوهانسبورگ دستگیر کرده است. رهبر فقید حزب کمونیست آفریقای جنوبی؛ درست ۵۰ سال

پیش در یک خانواده کارگری متولد شد. پدرش عضو کنگره ملی آفریقا و کارگر ساختمان بود. همویش در حزب کمونیست عضویت داشت. او در امکانات وابسته به کلیسای کاتولیک رم پرورش یافت و تصد داشت کشیش شود. تخصص او در ادبیات

ادامه در صفحه ۱۱

یادرفیق جزنی و یارانش  
گرامی باد!



سپیده دمان سی ام فروردین ماه سال ۱۳۵۴، ۹ زندانی بر فراز تپه های اوین به قتل رسیدند. کشتار این ۹ تن، از ناجوانمردانه ترین صفحات مقابله رژیم دیکتاتوری محمدرضا شاهی با مخالفان خود بود، چرا که هیچ یک از این زندانیان محکوم به اعدام نبودند و بر طبق هیچ یک از قوانین خود آن رژیم نیز نمی شد آن ها را محکوم به مرگ کرد.

روزنامه های وقت خبر این فاجعه را چنین تیتیر زدند: ۹ زندانی در حال فرار کشته شدند. نام این زندانیان جانباخته به قرار زیر بود: بیژن جزنی، حسن ضیا، ظریفی، عباس سورکی، سعید مشعوف کلانتری، عزیز سمدی، محمد چوپانزاده، جلیل افشار، مصطفی جوان خوشدل و کاظم ذوالانوار. مصطفی جوان خوشدل و کاظم ذوالانوار از کادرهای سازمان مجاهدین خلق ایران و ۷ قربانی

دیگر از بنیانگذاران سازمان چریک های فدائی خلق ایران بودند. هر هفت فدائی جانباخته از رهبران جنبش فدائیان خلق بودند. در این میان رفیق بیژن جزنی به

ادامه در صفحه ۳

حمله به خانه آیت الله منتظری  
دستور دادگاه ویژه روحانیت بود

در جریان کشاکش مفته نامه کیهان هوایی با روزنامه سلام فاش شد که دستور حمله به خانه آیت الله منتظری توسط دادگاه ویژه روحانیت صادر شده و نیروهای این ارگان خانه وی را "مورد بازرسی" قرار داده اند. جمهوری اسلامی تا پیش از این مدعی بود که "مردم" خانه آیت الله منتظری را مورد حمله

قرار داده بودند. به نوشته کیهان هوایی، حجت الاسلام حسینیان یکی از مسئولان دادگاه ویژه روحانیت در این مورد اظهار داشته است "حکم بازرسی دفتر آقای منتظری توسط دادگاه ویژه روحانیت به عنوان یک مقام صلاحیتدار قضایی صادر شد و بر خلاف ادعای آقای احمد منتظری،

ادامه در صفحه ۲

در این شماره:

بحثی پیرامون مسئله ملی در ایران

در صفحه ۸

شبکه آدمکشان

در صفحه ۷

"اتحاد کار" از چه برآشفته است؟

در صفحه ۹

### یادداشت

## برگزاری وسیع تر مراسم عید نشانه مخالفت مردم با رژیم

چنان بر حفظ این سنت دیرینه پای فشردند و هر ساله آن را پاس داشتند.

برخورد مردم در حقیقت مقابله با فرهنگ تحمیلی حاکم و زورگویی حکومتیان بود. آنها می خواستند سنت های ملی را که مشخصه فرهنگ ایرانی است، حفظ کنند. مردم تنها با وجود هجوم بیگانگان، این سنت ها را پاس داشته اند و از آنها ابزاری برای منظم و منظمی فرهنگی خود ساخته اند.

در دوره حکومت اسلامی بتدریج که ناراضی در بین مردم گسترش یافت، برگزاری مراسم عید از جانب مردم علاوه بر تقابل با فرهنگ حاکم جنبه مخالفت با رژیم اسلامی را پیدا کرد. سرکردگان حکومت این موضوع را فهمیدند و اجبارا و به اکراه در برگزاری جشن ها با مردم همراه شدند. ولی باین وجود برگزاری جشن عید از جانب مردم هم چنان خلصت ضد حکومت و تقابل با فرهنگ حاکم را حفظ کرد.

امسال مراسم چهارشنبه سوری، عید و سیزده بدر با وسعت بیشتری برگزار شد. به گفته فرمانده ناحیه انتظامی تهران حدود ۳ میلیون نفر از مسافران نوروزی وارد تهران شدند که بیشترین حجم مسافر در چندین سال بود. در روز سیزده بدر میلیون ها نفر از مردم از خانه و کاشانه خود بیرون زدند. مراسم چهارشنبه سوری نیز با وجود همزمانی آن با روزهای عزاداری، بطرز گسترده ای توسط مردم برگزار شد. در برخی مناطق بسیجی ها و پاسداران به مقابله با آتش بازی و شادمانی مردم برخاستند که این مسئله در ممدان منجر به قتل یک بسیجی شده که خبر آن در مطبوعات کشور منعکس گردید. نماینده شهر کبوتر آهنگ در مجلس شورای اسلامی پرپا کنندگان آتش بازی را "راذل و اوباش خوشگذرانی" نامید که پاسخ اعتراض بسیجی مقتول را با ضربه های مشت و لگد دادند.

رژیم اسلامی از ابتدای حکومتش با برگزاری مراسم عید ملی موافقت نداشت و آنها را میراث شرک پرستی و آئین های بجا مانده از دین زرتشت و همچنین هلاکت مقابله ملی گرایی در برابر حاکمیت دینی می دانست و میخواست بجای آنها روزهای مذهبی را جایگزین کند. به همین خاطر سالها بانام مختلف مواجی در مقابل برگزاری جشن های نوروزی بوجود می آورد. اما مردم بی توجه به موضع رژیم اسلامی همه ساله نوروز را گرمی می داشتند. سران حکومت بتدریج پی بردند که مانع تراشی در مقابل برگزاری مراسم عید چندان کار ساز نیست و نمیتوان جشن های ملی را از مردم گرفت. لذا از نشرهای خود کاستند ولی همه ساله در اینجا و آنجا به بهانه های مختلف از جمله جنگ و روزهای عزاداری به مانع تراشی خود ادامه دادند. ولی مردم هم

در حال حاضر که ناراضی و مخالفت با رژیم اسلامی در بین مردم بسیار وسیع پیدا کرده و مردم بی واهمه از شلاق و زندان در ملاء عام زبان به اعتراض علیه رژیم می گشایند و مخالفت خود را با حکومت ابراز می کنند، خواه نا خواه در برگزاری مراسم نیز جسورانه تر برخورد کرده و با بسیجی ها که به "امر به معروف و نهی از منکر" می پردازند، به مقابله می خیزند. شورش ها، اعتصابات و راهپیمایی ها مخالفت آشکارتر مردم با حکومت و جنبه ای از آنست و برگزاری وسیع تر مراسم عید جنبه دیگری از آن. این مقابله ها طلوعه اعتراضات گسترده مردم در سال جدید است بویژه اینکه در سال جدید با پیشبرد سیاست های اقتصادی رفسنجانی از جمله تک نرخی کردن ارز، فقر و فلاکت مردم گسترش بیشتری پیدا خواهد کرد.

## مراسم ۳ میلیونی ۱۳ نوروز در اطراف تهران



سیزده بدر امسال را اهالی تهران با گستردگی بیسابقه ای برگزار کردند. گزارش فرمانده ناحیه انتظامی تهران، ۳ میلیون نفر از شهر و ندان تهرانی و مسافران نوروزی که به پایتخت آمده بودند، سیزده خود را در اطراف تهران بدر کردند. این مراسم میلیونی دهن کجی آشکاری به رژیم بود که در روز چهارشنبه سوری به جنگ مردم و شادمانی آنها رفته بود.

## مشی جدید فرب و تاثیرات چند سويه آن

ادامه از صفحه ۱

منجر گشته و این امر رژیم اسلامی را با مشکلات بیشتری مواجه خواهد ساخت.

فرب بعد از این در مجامع بین المللی تلاش بیشتری خواهد کرد که جمهوری اسلامی را بخاطر نقض حقوق بشر، تروریسم و حکم اعدام سلمان رشدی محکوم کند. این محکومیت ها همراه با ایجاد محدودیت در مناسبات فرهنگی، کاهش مناسبات دیپلماتیک، گسترش تبلیقات علیه بنیادگرایی و تروریسم موجب خواهد شد که رژیم اسلامی بیشتر بی اعتبار گردد و بعنوان دولت تروریستی در سطح جهان شناخته شود. این امر به انزوای باز هم بیشتر جمهوری اسلامی منجر خواهد شد. کشورهای منطقه نیز تحت این شرایط بر اقدامات خود علیه رژیم خواهند افزود.

در داخل کشور نیز با توجه به وضع فلاکت بار مردم و بحران اقتصادی شدید، مشی جدید فرب می تواند در جری تر شدن مردم علیه رژیم اسلامی موثر واقع شود.

بنظر می رسد فشارهای فرب موجب شده است که جناح های حکومتی در چند ماه اخیر از تشدید تخلفات خود اجتناب ورزند و به سازش ها و توافق هایی برسد.

در بین بخشی از نیروهای اپوزیسیون که روی سیاست های فرب در رابطه با تحولات کشور حساب جدی باز کرده اند، مشی جدید فرب تاثیرات خود را گذاشته است. آنها می خواهند نظر مساهد دولت امریکا را نسبت بخود جلب کنند. این دسته از نیروها که تنها به سرنگونی رژیم اسلامی میاندیشند، این موضوع که برای امریکانه خواستها و منافع مردم ما بلکه مصالح خودش مطرح است، توجه کمتری دارند.

اگر در سیاست امریکا مشی تشدید فشار و تنگ تر کردن حلقه محاصره حول جمهوری اسلامی روز بروز روشنی بیشتری پیدا می کند، اما آلت راتاقی مورد نظر آن، همچنان نامعلوم و ناروشن است. تلاش های مستمر جریاناتی نظیر مجاهدین خلق نتوانسته است آن را از ابعاد دور آورد.

\* \* \*

هنوز مدت زمان زیادی از مشی جدید امریکا و کشورهای اروپای غربی نسبت به جمهوری اسلامی نگذشته است. در ماه های آتی تاثیرات آن بر تحولات کشور ما آشکارتر خواهد شد. ولی آنچه مسلم است سر نوشت جمهوری اسلامی نه در پر تو سیاست فرب بلکه بر اثر تحولات درونی کشور رقم خواهد خورد.

تندروانه راز مینه صدور انقلاب، گسترش تروریسم و مخالفت با روند صلح در خاور میانه پیش برد، ولی در همین حال باید توجه داشت که از جانب فرب و کشورهای منطقه از جمله دولت مصر در ابعاد اقدامات جمهوری اسلامی در زمینه های مزبور افراتق هایی صورت می گیرد. امریکا و کشورهای اروپای غربی با تغییر توازن قوا در نوک هرم قدرت بسود خامنه ای و برخورد تسلیم طلبانه رفسنجانی، از تحولات درون حکومت در جهت تقویت خط میانه و استحاله در درون حکومت ناامید شدند.

اکنون سیاستی را که فرب و بویژه امریکا پیش می برد، تنگ تر کردن حلقه محاصره دور جمهوری اسلامی و تشدید مداوم فشار بر آن است. بنظر می رسد که هدف امریکا از پیشبرد این مشی در درجه اول وادار کردن جمهوری اسلامی به عقب نشینی از مواضعش در یک سری هرصه ها است. و در صورت ایستادگی جمهوری اسلامی بر مواضعش، تداوم بخشیدن به فشارها تا حد سرنگونی رژیم اسلامی است.

موفقیت امریکا در پیشبرد این مشی و رسیدن به اهدافش تضمین شده نیست. چرا که ابزار و امکانات امریکا در این زمینه چندان وسیع نمی باشد.

گرچه منشاء تحولات در کشور بر پایه فعل و انفعالات درونی است ولی فشارهای فرب بر خواه ناخواه بر فرایند تحولات تاثیر گذار خواهد بود. بویژه اینکه در حال حاضر آسیب پذیری رژیم اسلامی از فشارهای بیرونی بجهت حدت بحران اقتصادی و اعتراضات گسترده مردم، نسبت به سال های قبل بیشتر است.

مشی جدید امریکا و هم پیمانان وی در وضع اقتصادی کشور، موقعیت بین المللی و منطقه ای جمهوری اسلامی، اختلافات درون حکومتی، روحیه مردم و مشی سیاسی بخشی از نیروهای اپوزیسیون تاثیر دارد.

با توجه به مناسبات گسترده اقتصادی جمهوری اسلامی با فرب، امریکا از این پس تلاش خواهد کرد که اثر را به ابزار فشار علیه رژیم اسلامی تبدیل کند. همانگونه که در گزارش این شماره کار آمده است وارن کریستوفر وزیر خارجه امریکا اعلام کرده است که جمهوری اسلامی منبعده حق برخورداری از کمک های مالی موسسات بین المللی را ندارد. بگفته او امریکا این نظر را به اطلاع دیگر دولت ها رسانده است. جمهوری اسلامی در حال حاضر شدیداً به این کمک ها نیاز دارد. قطع این کمک ها، تشدید فشار برای اخذ وام ها و ایجاد محدودیت در سایر زمینه های اقتصادی توسط فرب به حدت یافتن بحران اقتصادی حکم مزبور به ایشان ارائه شد اما وی با توهمین و موضعگیری غیرمؤدبانهای، از همکاری با نیروهای دادگاه ویژه روحانیت امتناع ورزیده و اظهار می دارد شما هر کاری خواستید انجام دهید. "حجت الاسلام حسینیان مدهی شد: "اساسا هیچگونه تعرضی به منزل ایشان صورت نرفت و تنها منازل سیده های هاشمی (داماد)، سعید (فرزند) و یکی دو منزل دیگر که اعضای دفتر آقای منتظری از آنها به عنوان خانه امن استفاده می کردند، بر اساس حکم صادره مورد بازرسی قرار گرفتند." حسینیان در مورد هلت بازرسی این منازل گفت: "مدتها بود که یکی از اعضای باند سید مهدی هاشمی تحت تعقیب

## حمله به خانه آیت الله منتظری دستور دادگاه ویژه روحانیت بود

ادامه از صفحه ۱

قرار گرفته بود که به دنبال آن به شبکه ای در تهران برخوردیم. اعضای این شبکه مشغول تهیه و توزیع اطلاعات و شبانه های توهمین آمیزی در مورد حضرت امام (ع) جمع آوری سلاح بودند. این افراد تحت تعقیب قرار گرفتند و در بازجوییها اعتراف کردند این اقدامات با هماهنگی بیت آقای منتظری و سیده های هاشمی صورت می گرفته است." توضیحات حسینیان با آنچه سابقا از سوی جمهوری اسلامی ابراز شده بود و

وی مدهی شدند که این مصاحبه در ساعت ۴ بعد از ظهر ۲۸/۱۱/۷۱ صورت گرفته و نوار مصاحبه و هکسهای مربوط به آن در آرشیو خبرگزاری موجود است. اما خبرگزاری جمهوری اسلامی برای اثبات مدعی خود هیچگونه مدرکی ارائه نداده اند.

بدلیل نفوذ و موقعیت آیت الله منتظری در میان نیروهای اسلامی و نیز در درون خود جمهوری اسلامی، در مواجهه مسئولان رژیم با او مدام مشکلاتی برای رژیم پدید می آورد و هر دور از مقابله با وی منجر به آبروریزی های بیشتری برای مسئولان جمهوری اسلامی می شود.

## اعتصاب کارگری گسترده در تبریز

ادامه از صفحه ۱

صنعی خاص خود دست به اعتصاب زدند. خواست مشترک کارگران افزایش دستمزد بود. در تعدادی از واحدها کارگران به ناروشن ماندن موضوع دریافت مسکن در پی چندین سال تقاضا و پرداخت مبلغی برای آن، معترض بودند. در کارخانه ماشین سازی، کارگران خواستار تشکیل شوراهای کارگری شدند تا امکان دفاع مستقل از منافع صنفی خود را

داشته باشند. با آنکه رژیم این اعتصاب ها را که به راه پیمایی دستجمعی کارگران فرا روئید، شدت سرکوب کرد، اما ناراضی در میان کارگران که از فرط گرانی و عدم تناسب دستمزد با افزایش سرسام آور قیمت ها کلافه شده اند، چنان بلاست که انتظار می رود اعتصاب پس از وقفه ای دوباره از سر گرفته شود.

## مردم از موج جدید گرانی بیمناکند

ادامه از صفحه ۱

نخستین روزهای سال گذشته نیز همین وعده ها از سوی مقامات رسمی دولت به مردم داده شد ولی هلیرقم این وعده ها هیچ کالایی نبود که از گرانی یک یا چند باره قیمت ها برکنار ماند. مردم به عمق بحران اقتصادی و ناتوانی دولت در مقابله با آن پی برده اند و از همین روست که نگران روزهای آینده و گرانیهای بیشتر، با صراحتی کم سابقه زبان به اعتراض علیه رژیم گشوده اند.

خواهد گرفت. وهابی افزود: قیمت هیچ کالایی در سال جاری افزایش نخواهد یافت و اجرای طرح تک نرخی شدن ارز زمینه لازم را برای نظارت و کنترل و قیمت گذاری فراهم خواهد کرد. اما افکار عمومی جامعه بر هرگونه وعده ای که از سوی مسئولین در زمینه مبارزه با گرانی فروشی داده می شود، با بی اعتمادی کامل می نگرد. هیچ کس فراموش نکرده است که در دولت باشد. در همین حال وزیر بازرگانی اعلام کرد یک میلیارد و ۲۵۰ میلیون دلار ارز برای واردات کالاهای اساسی و مایحتاج ضروری مردم در سال جاری تخصیص یافته است. به گفته وی با این مبلغ ارز عرقلم کالاهای اساسی مورد نیاز از جمله برنج، شکر، روغن، گوشت و پنیر خریداری شده و از طریق شبکه توزیع کوپنی در اختیار مردم قرار

# سال ۷۱ از نظر روزنامه سلام

## هیچ تغییری در زمینه آزادیهای سیاسی رخ نداده است. تورم و گرانی در سال آینده به مراتب بدتر خواهد شد.

روزنامه سلام به مناسبت پایان سال ۱۳۷۱ در یادداشت مفصلی زیر عنوان "یادداشت سال" دیدگاههای خود در مورد وقایع سال گذشته را توضیح داد. در بخش سیاسی "یادداشت سال" گفته شده است: "یکی از مسائلی مهم در هر صحنه سیاست ضرورت تعمیق و گسترش آزادیهای مصرحه در قانون است و این مهم میسر نمی شود مگر با تحکیم و حاکمیت قانون. از نظر آزادیهای سیاسی تغییر محسوسی در سالی که گذشت با سالهای قبل از آن مشاهده نشد. سلام نوشت: "از بزرگاری هلنی محاکم سیاسی در سالی که گذشت چون سالهای قبل خبری نبود سلام بعنوان اشاره به "محاکمه مخفی چند نماینده سابق یا دیگر افراد شناخته شده که هیچ فعالیت نظامی و غیره ای هم نداشته اند" اشاره می کند.

در زمینه انتخابات "سلام" نوشت: "در پی برگزاری انتخابات دوره چهارم مجلس شورای اسلامی یک جناح سیاسی تقریباً از صحنه قدرت و احتمالاً سیاست خارج شدند. باید پذیرفت

که در دنیای کنونی این امر بسیار طبیعی و حتی مقبول هم هست که گروهها و احزاب گوناگون گاه پیروز (می شوند) و گاه شکست می خورند و هیچ جای تعجب و نگرانی ندارد و قدرت و ضعف آنان نیز همدتا در دست خودشان است." سلام می افزاید: "ولی این واقعه همراه با مسائلی بود که طی آن نه یک جناح، بلکه کل انقلاب و جامعه دچار خسار شد. از ۱- جوی مسائلی عبارت بودند از: ۱- جوی که در هر صحنه بین الهلی و از جانب قدرت های بزرگ و مخالف انقلاب و منافع ایران در خصوص این انتخابات راه افتاد و به داخل منتقل گردید. ۲- قیروهای غیر دموکراتیک و غیر قانونی برای حذف رقیب که ناشی از توسعه نیافتگی سیاسی دست اندرکاران بود."

در بخش اقتصادی این تحلیل، "سلام" با اتکا به منابع خارجی رشد اقتصادی سال ۷۱ را حدود ۶ درصد برآورد می کند و می نویسد تورم که در سال ۷۰ بسیار بیشتر از ارقام پیش بینی شده بود، در سال ۷۱ احتمالاً به بالاترین میزان

# در حاشیه رویدادها

## "سرگذشتی" که از "زبان کیانوری" نیست

کیهان لندن از همان آغاز انتشار خاطرات کیانوری بصورت پاورتی در روزنامه اطلاعات، اقدام به انتشار آن نمود و وقتی هم پاورتی اطلاعات قطع شد، با استفاده از کتاب خاطرات که در داخل کشور منتشر شده است، انتشار آنرا ادامه داد. کیهان لندن در این اقدام خود، با رعایت امانت آغاز کرد و اگر چه در شکل دستچین، ولی در هر حال بر روایت تاریخ از زبان خود کیانوری وفاداری نشان داد. اما از قرار، کیهان لندن خیلی زود مورد اعتراض طیفی از خوانندگان خود قرار گرفت و از راه بدر شد. آن آغاز را بلافاصله کنار گذاشت و برای آنکه یاران خود را آسوده خاطر نماید نوشت: "شخصیت کیانوری ارزش آنرا نداشت که کیهان لندن به چاپ خاطرات وی بپردازد بلکه اظهارات وی به عنوان "یک شاهد در دادگاه تاریخ قابل اعتناست." نتیجه آنکه مطالبی که پس از آن بعنوان "سرگذشت حزب توده از زبان نورالدین کیانوری" در کیهان لندن چاپ شده و می شود دستچین های کوتاهی است که کیهان لندن بدلخواه از کتاب "خاطرات کیانوری" انتخاب و همراه مطالبی که خود تهیه دیده یا از دیگر کتابها و منابع گرد آورده، آذین بسته و به خورد خوانندگان می دهد. به این ترتیب کیهان لندن کتابی را که یکبار توسط وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی زیر جراحی و سانسور قرار گرفته دوباره به گونه ای که خود می خواهد بر تخت پروتکتست دراز می کند تا هر کجا خواست شون و سازش ناپذیرتر شدن ما نسبت به هواداران انقلاب ما، بلکه "ناشی از تضعیف وضعیت ماست و این تضعیف نیز به سبب تنگ نظریهای سیاسی است که نظام را هر از چندی تقسیم بر دو تکه های کوچک و کاملاً دست چین

کیهان لندن از همان آغاز انتشار خاطرات کیانوری بصورت پاورتی در روزنامه اطلاعات، اقدام به انتشار آن نمود و وقتی هم پاورتی اطلاعات قطع شد، با استفاده از کتاب خاطرات که در داخل کشور منتشر شده است، انتشار آنرا ادامه داد. کیهان لندن در این اقدام خود، با رعایت امانت آغاز کرد و اگر چه در شکل دستچین، ولی در هر حال بر روایت تاریخ از زبان خود کیانوری وفاداری نشان داد. اما از قرار، کیهان لندن خیلی زود مورد اعتراض طیفی از خوانندگان خود قرار گرفت و از راه بدر شد. آن آغاز را بلافاصله کنار گذاشت و برای آنکه یاران خود را آسوده خاطر نماید نوشت: "شخصیت کیانوری ارزش آنرا نداشت که کیهان لندن به چاپ خاطرات وی بپردازد بلکه اظهارات وی به عنوان "یک شاهد در دادگاه تاریخ قابل اعتناست." نتیجه آنکه مطالبی که پس از آن بعنوان "سرگذشت حزب توده از زبان نورالدین کیانوری" در کیهان لندن چاپ شده و می شود دستچین های کوتاهی است که کیهان لندن بدلخواه از کتاب "خاطرات کیانوری" انتخاب و همراه مطالبی که خود تهیه دیده یا از دیگر کتابها و منابع گرد آورده، آذین بسته و به خورد خوانندگان می دهد. به این ترتیب کیهان لندن کتابی را که یکبار توسط وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی زیر جراحی و سانسور قرار گرفته دوباره به گونه ای که خود می خواهد بر تخت پروتکتست دراز می کند تا هر کجا خواست شون و سازش ناپذیرتر شدن ما نسبت به هواداران انقلاب ما، بلکه "ناشی از تضعیف وضعیت ماست و این تضعیف نیز به سبب تنگ نظریهای سیاسی است که نظام را هر از چندی تقسیم بر دو تکه های کوچک و کاملاً دست چین

سلام سیاست وارداتی را "از نقاط بسیار تاریک سیاستهای اقتصادی در سالهای اخیر" می نامد. به عقیده این روزنامه "کشوری که احتیاج به ارز برای سرمایه گذاری دارد، بخش مهمی از منابع ارزی خود را صرف واردات کالاهای مصرفی از اتوموبیل و لباس و وسایل منزل گرفته تا کالاهای مضر مثل سیگارهای آمریکایی یا کوکاکولا و مواد مشابه می کند و تعرفه های آن آنقدر کم است که منجر به رکود در بازار شده است." این روزنامه می نویسد که مصلحت پرداخت ۱۵ میلیارد دلار از وامهای خارجی که وزیر اقتصاد و دارایی مقدار آنرا ۳۰ میلیارد دلار و منابع خارجی مبلغی بیش از آن عنوان می کنند، در سال ۷۲ است.

روزنامه سلام در این یادداشت سیاستهای دولت در زمینه "مدیریت و حقوقی" را نیز مورد انتقاد قرار داده و به مواردی از ناهنجاریهای اجتماعی از جمله مسایل حاد جوانان اشاره می کند. اما در این تحلیل که بیش از دو صفحه کامل این روزنامه را اشغال کرده، هیچ اشاره ای به اعتراضات متعدد مردم، از جمله تظاهرات در شیراز، اراک و مشهد نشده است.

روزنامه سلام می نویسد: در تاریخ ۱۴ ساله انقلاب، شرب هیچ زمان مثل امروز جمهوری اسلامی راحت فشار قرار نداده بوده است. به عقیده سلام این فشارها نه به دلیل "انقلابی تر شدن و سازش ناپذیرتر شدن ما نسبت به هواداران انقلاب ما، بلکه "ناشی از تضعیف وضعیت ماست و این تضعیف نیز به سبب تنگ نظریهای سیاسی است که نظام را هر از چندی تقسیم بر دو تکه های کوچک و کاملاً دست چین می کند!"

### یادرفیق جزنی و یارانش

ادامه از صفحه ۱

لحاظ نقش خود در بنیانگذاری نطفه جریانی که بعدها نام سازمان چریک های فدائی خلق ایران به خود گرفت و نیز رهبری این جریان، از دیگران متمایز می شد.

رفیق جزنی پیش از آغاز به تلاش در جهت بنیانگذاری جنبش فدائیان خلق، در صفوف حزب توده ایران فعالیت کرده بود. وی از هر امکان کوچک مثبتی برای پیشبرد مبارزه و نیل به اهداف سیاسی- اجتماعی خود سود می برد. در سایه تلاشهای مستمر وی و یارانش، سازمان جوانان جبهه ملی ایران در سالهای ۴۱-۴۳۹ به نیروی هملچاپ تکوین پیدا کرد. رفیق جزنی از فعالیت های سیاسی خود تجارب شایانی در زمینه فعالیت هملی- سیاسی انباشته بود. وی که در نتیجه تلفیق آن تجارب سیاسی با درایت نظری- هملی خود به متفکری ارزشمند و سیاستمداری تیزبین بدل شده بود، از اوایل دهه ۴۰ تلاش خود را بر شکل دادن یک جنبش چپ مستقل متمرکز کرد. نتیجه زحمات شبانه روزی وی پایه ریزی جنبشی بود معتقد به استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم که اواخر دهه مذکور در روز ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ تولد خود را در جنگلهای سیاهکل اعلام داشت. سبب همدم بینانگداری جنبش فدائیان خلق که در جهان کلاماً دوشقه شده چپ آنروز در مجموع موفق به اتخاذ موضعی مستقل در قبال دو قطب چپ جهانی شد، متعلق به رفیق بیژن جزنی بود. وی پس از پایه ریزی جنبش فدائیان به کوشش در راستای تجهیز این جنبش به یک برنامه مدون و منطبق به شرایط اقتصادی- اجتماعی ایران و باتکیه بر اعتقادات سوسیالیستی خود پرداخت. رفیق جزنی همچنین توانست با تجزیه و تحلیل دقیق رویدادهای سیاسی، پاره ای از وقایع سیاسی و آینده سیاسی برخی از نیروهای اجتماعی را پیش بینی کند.

ادامه از صفحه ۱

بیژن جزنی در جنبش چپ ایران یک اتوریته بود. وی تا لحظه مرگ رهبری فکری جنبش چپ نو بنیاد را بر عهده داشت. او از زندان به لحاظ فکری و سیاسی سازمان را رهبری می کرد. وی در طول همگرم کوتاه ۳۸ ساله خود بویژه طی سالهای زندان، آثار ارزشمندی از خود بر جای گذاشت. با ارزش ترین میراث نوشتاری وی، آثار اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، تاریخی وی می باشد. اما در کنار آن وی از جمله داستانی برای دو پسر خود به رشته تحریر درآورده است. از رفیق جزنی همچنین نقاشی های ارزشی بر جای مانده است.

فدائیان خلق از فقدان رفیق جزنی رنج بسیار بردند. سازمان سالیان سال از فقدان رهبری چون وی رنجور بود. قدر مسلم این که رفیق جزنی نیز از اشتباه بیری نبود. ولی درایت، شجاعت و تیزبینی این رفیق وی را به رهبری مطلوب بدل می کرد. امروز نیز جنبش چپ ایران فقدان رهبری اینچنین را احساس می کند.

کسانی که حکم قتل رفیق جزنی و یاران او را صادر و امضا کردند، می دانستند دست به چه جنایتی می زنند. آنان ناچوانمردانه ایران و جنبش چپ آن را از گروهی از مجرب ترین رهبران خود محروم کردند. آن ها حتی جرات آن را نداشتند که نحوه اجرای این جنایت را آشکار سازند. امروز نیز با اینکه ۱۸ سال از جان باختن رفیق جزنی و یارانش می گذرد، و با اینکه گروهی از حامیان سلطنت خود را طرفدار آزادی و دموکراسی می پندارند؛ هیچکدامشان حتی کلمه ای درباره این جنایت بر زبان نیاورده اند، چه رسد به اینکه آن را محکوم کنند.

جای رفیق جزنی و یارانش در جنبش چپ کماکان خالی است. ما راهمان را همان راه نیل به آرمان های انسانی رفقای جانباخته مان می دانیم و یاد آنان را گرامی می داریم.

### فشارهای بین المللی علیه جمهوری اسلامی شدت بیشتری یافت

مهاشات آنان با رژیم جمهوری اسلامی است که اجازه می دهد باند های آدمکش جمهوری اسلامی در خاک این کشورها دست به آدمکشی و ترور بزنند. ایتالیا نمونه آخرین تروریسم است. حملات فزاینده ه مفتحه های اخیر علیه جمهوری اسلامی است که به موازات آن مسئله عراق و رژیم صدام حسین در سیاستهای منطقه ای غرب و آمریکا هر روز بیشتر در سایه قرار می گیرد. ارتقای مناسبات مصر و ترکیه با عراق تا سطح سفارت و تغییر رفتار آشکار آمریکا و انگلیس در برابر رژیم صدام حسین، آخرین نشانه های تحول سیاسی تازه در مواضع غرب در ارتباط با جمهوری اسلامی و عراق است. آمریکا و انگلیس اعلام کرده اند مجازات ها علیه عراق مادام که این کشور به قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل گردن نگذارد به قوت خود باقی خواهد بود، اما دیگر برکنای صدام حسین را شرط برداشتن مجازات ها قرار نخواهند داد.

مقامات جمهوری اسلامی تقریباً مورد به مورد نسبت به حملات و اتهامات علیه خود واکنش نشان داده اند. کمال خرازی نماینده دائمی جمهوری اسلامی در سازمان ملل و خارجه سخنگوی وزارت

اعلامات کریستوفر را "بی اساس و فاقد ارزش و نشانه سردرگمی در سیاست خارجی آمریکا" خواند و گفت "دولت آمریکا می خواهد با جو سازی و شاننازه، به نوعی از جمهوری اسلامی باج خواهی و امتیاز طلبی کند." اما این واکنش های تند و صریح و رد اتهامات از جانب حکومت اسلامی مانع از تداوم و تشدید فشارها و حملات علیه جمهوری اسلامی نشده است. اکنون دیگر روزی نیست که حکومت اسلامی بخاطر رفتارهای مفایر موازین بین المللی یا نقض حقوق بشر موضوع حملات آشکار دولتها و مجامع بین المللی قرار نگیرد. این حملات و فشارها آشکارا حکایت از تحول در مواضع غرب و آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی دارد. سابقه امر به ماهها پیش و به هنگامی بر می گردد که قدرت و نفوذ محافل قشری در حکومت اسلامی بر خلاف انتظار دولتهای غربی و آمریکا افزایش یافت. و در پی آن، جمهوری اسلامی مواضع تحریک آمیزتری در قبال جهان غرب و کشورهای غربی اتخاذ کرد. از آن پس فشار علیه جمهوری اسلامی بی وقفه ادامه داشته است. اغلب ناظرین سیاسی مذاکره در باره سیاستهای غرب و آمریکا در منطقه و در برابر جمهوری اسلامی و عراق را یکی از اهداف هم تشدید خواهد شد.

## وام ۱۶۵ میلیون دلاری بانک جهانی به جمهوری اسلامی

بانک جهانی اعطای یک وام ۱۶۵ میلیون دلاری به جمهوری اسلامی را مورد تصویب قرار داد. به گزارش خبرگزاریها قرار است این وام صرف تبدیل نیروگاه گازی شهر قم به سیکل ترکیبی شود. اجرای این عملیات به همدی شرکت برق منطقه‌ای تهران خواهد بود. به گزارش روزنامه‌های تهران مجموعه هزینه‌های ارزی این پروژه معادل ۲۱۳ میلیون دلار است که مبلغ ۱۶۵ میلیون دلار آن از محل تسهیلات بانک جهانی تامین خواهد شد. به هنگام تصویب وام فوق از سوی بانک جهانی به جمهوری اسلامی ایران، تنها نماینده آمریکا با آن مخالفت کرد. رژیم جمهوری اسلامی میزان واقعی وام‌های دریافتی از منابع خارجی را اعلام نکرده است. اما بنا به اظهار نظرهای غیررسمی میزان این وام‌ها بین ۲۰ تا ۳۰ میلیارد دلار است و برخی منابع میزان وام‌های خارجی را تا ۴۰ میلیارد دلار نیز ذکر کرده‌اند. به نوشته روزنامه سلام مهلت پرداخت نیمی از این وام‌ها در سال جاری است.

## هر ضه ارز به نرخ شناور از سوی بانک مرکزی

روز شنبه هفته گذشته نرخ شناور دلار از سوی بانک مرکزی ۱۵۳۸ ریال (خرید) و ۱۵۴۲ ریال (فروش) اعلام شده بود. در همان روز نرخ دلار در بازار ارز ۱۶۲۵ ریال (خرید) و ۱۶۳۰ (فروش) بوده است.

به این ترتیب نرخ برابری ریال در مقابل ارزهای خارجی نیز که مدت‌ها بر سر آن در محافل دولتی بحث بود روشن شد. این نرخ نه ثابت بلکه شناور و همپای نرخ بازار آزاد در نوسان خواهد بود. با این تصمیم، دولت در واقع ارزش پول ملی کشور را در برابر دلار آمریکا ۲۲ برابر کاهش داده است. گرچه بهای رسمی ۷۰ ریال به ازای هر دلار که تاکنون متداول بوده نرخ واقعی برابری ریال با دلار نبوده است، اما رقم اخیرا تعیین شده

هم، رقم واقعی نیست. به گفته کارشناسان کشور، ارزش واقعی برابری ریال با دلار چیزی در حدود ۸۰۰ ریال یعنی حدود نصف رقم اعلام شده از سوی دولت است.

روز یکشنبه هفته گذشته بانک مرکزی جمهوری اسلامی رسماً اعلام کرد که از امروز هر ضه ارز به نرخ شناور برای واردکنندگان کالا به صورت نامحدود از سوی بانک مرکزی شروع شد. نرخ شناور ارز که از آغاز امسال تنها نرخ خرید و فروش ارز خواهد بود بطور روزانه از سوی بانک مرکزی اعلام خواهد شد. روزنامه کیهان از قول منابع موثق در بانک مرکزی نوشته است نرخ شناور ارز همان قیمت ارز تک نرخی خواهد بود.

## در ظرف یکسال کسری تراز بازرگانی ایران با ۶ کشور صنعتی جهان به ۲۰ برابر رسید

دلار به ۱۲ میلیارد دلار رسیده است. بر این اساس کسری تراز بازرگانی که در سال ۹۱ تنها ۳۱۴ میلیون دلار بوده در سال ۹۲ به ۶/۱۵۴ میلیارد دلار رسیده است.

مهمترین عامل کاهش کسری تجاری ایران با کشورهای صنعتی، کاهش واردات ژاپن از ایران بوده است. ارزش واردات این کشور از جمهوری اسلامی در سال ۹۲ حدود ۵۶ درصد کاهش یافت و به ۲/۶ میلیارد دلار پائین آمد و از ۳/۱ میلیارد دلار برفع ایران به یک تراز منفی ۵۰ میلیون دلاری رسید. وضع تجاری ایران در مقابل آلمان نیز در سال گذشته شدت تضعیف شد. واردات این کشور از جمهوری اسلامی ۲۵۰ میلیون دلار کاهش یافت و صادرات آن ۱/۷ میلیارد دلار افزایش پیدا کرد.

خبرگزاری جمهوری اسلامی خبر داد که کسری تراز بازرگانی ایران با ۶ کشور صنعتی در سال ۹۲ نسبت به سال ۹۱ به ۲۰ برابر رسید. صادرات ایران به ۶ کشور صنعتی جهان در سال ۹۲ به نصف تقلیل یافت و در مقابل آن میزان واردات از این کشورها یک سوم افزایش یافت. آمار به دست آمده از تجارت خارجی با کشورهای آلمان، ژاپن، ایتالیا، انگلیس، فرانسه و آمریکا در سال ۱۹۹۲ میلادی نشان می‌دهد واردات این کشورها از ایران، که بخش عظیمی از آن را نفت خام تشکیل می‌دهد، ۴۰ درصد کاهش یافته و در سطح ۶/۱۸۶ میلیارد دلار رسیده است در حالی که یکسال قبل در سطحی حدود ۳۷۳/۱۰ میلیارد دلار بوده است. ارزش صادرات این کشورها در طی مدت تجاری از ۹/۵۶۷ میلیارد

## مصاحبه مهندس بازرگان در مورد رشدی

به نوشته هفته نامه کیهان هوایی، مهندس بازرگان رهبر نهضت آزادی ایران، حاضر نشد فتوای قتل سلمان رشدی نویسنده کتاب آیات شیطانی را مورد تایید قرار دهد. مهندس بازرگان در این حال در یک مصاحبه کتبی با این هفته‌نامه، انتشار کتاب آیات شیطانی، ترجمه آن به ۱۷ زبان زنده دنیا و حمایت غرب از نویسنده کتاب فوق الذکر را به عنوان توطئه‌های مهادنگ علیه اسلام و انقلاب اسلامی محکوم کرد. در این مصاحبه هلیبرقم اصرار کیهان هوایی، مهندس بازرگان در مورد تایید فتوای خمینی نظری ابراز نداشت. وی راه مقابله با توطئه پیش گفته را تشکیل یک سمینار همومی از دیدگاه‌های مختلف فقهی، قرآنی، سنتی، ملی و بین‌المللی خواند که پیرامون این موضوع به بحث بپردازند. بازرگان تصریح کرد که چنین سمیناری باید با قید این که اظهار نظر و عقیده آزاد بوده و تبعاتی بر آن مترتب نخواهد شد، برگزار گردد.

## قاجاق یک میلیون دام در طول سه ماه

به نوشته روزنامه "سلام" در زمستان سال گذشته نزدیک به صد هزار راس دام تنها از استان فارس به وسیله موتور لنج به کشورهای جنوبی خلیج فارس قاچاق شده است. سلام می‌نویسد که قاچاق گسترده دام به کشورهای حاشیه خلیج فارس ادامه دارد و مرزبانان جمهوری اسلامی در برابر این پدیده بی تفاوت هستند. قاچاقچیان در قبال دامهایی که به خارج قاچاق می‌کنند، مشروبات الکلی و اسلحه به کشور وارد کرده و آنها را در بازارهای داخلی به فروش می‌رسانند. به عقیده این روزنامه، کار قاچاقچیان تنها به منظور سودجویی نیست، بلکه هدف آنها به انقراض کشتادن نسل دام در منطقه و محتاج ساختن کشور به واردات دام از خارج است.

## تیم ملی کشتی ایران از سفر به امریکا باز ماند

سفارت خود در یک کشور ثالث مانند ترکیه، سوئیس و امارات متحده هری ممکن دانست، آنهم به این صورت که کلیه نفرات اهزای به امریکابرای گرفتن ویزای این کشور می‌بایست که حتماً به کشور ثالث سفر کنند. موافقت جمهوری اسلامی با سفر تیم ملی کشتی به امریکا و کارشنکشی‌های امریکای موضوع شرکت ایران در المپیک آتی در امریکا را که با مخالفت‌ها و موافقت‌های زیادی در درون رژیم روبروست، پیچیده‌تر کرده است.

تیم ملی کشتی ایران به علت کارشنکشی مقامات امریکایی نتوانست در پیکارهای جام جهانی توفنده امریکا شرکت کند. محمد رضا طالقانی نایب رئیس فدراسیون کشتی ایران، ضمن اعلام این خبر افزود: به علت مشکلات بوجود آمده در امر صدور ویزا از سوی دولت امریکا برای کشتی‌گیران ایرانی، از اهزام تیم ایران به مسابقات تولیدوی امریکا خودداری شد. به گفته وی: دولت امریکا صدور ویزا برای اعضای تیم ایران را تنها از طریق

## حرکت زمین در شهر کرد عرقبارانی گرفت



نمایی عمومی از منطقه روستای «چابو» چهارمحال و بختیاری. حرکت زمین موجب جابجایی سنگها شده است.

است. به گفته مهندس نوذری دبیر ستاد حوادث غیر مترقبه استان، اجساد ۶ روستایی در عمق ۲۰ تا ۵۰ متری زمین مدفون شده است. بر طبق گزارش روزنامه‌ها تنش حرکت زمین در این منطقه ادامه دارد.

حرکت زمین در استان چهارمحال و بختیاری سه روستای شهرستان لردگان را ویران ساخت. در این حادثه عرتن از اهالی روستای ممسنی جان خود را از دست دادند. اجساد این روستائیان هنوز به دست نیامده

## دیدار وزیر خارجه روسیه از تهران

آندره کوزیرف وزیر خارجه روسیه روز یکشنبه ۸ فروردین وارد تهران شد. وی در این دیدار با هاشمی رفسنجانی رئیس جمهوری و هلی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه دیدار کرد. در جریان این دیدارها ۳ سند بین مقامات دو کشور به امضاء رسید. به گفته هلی اکبر ولایتی اولین سند امضاء شده مربوط به مشورت‌های منظم و مستمر سیاسی بین وزرای خارجه دو کشور می‌باشد. سند دوم در زمینه سفرهای بدون روادید برای دارندگان گذرنامه‌های سیاسی و خدمتی بین دو کشور است. بر اساس یکی از بندهای این سند اتباع دو کشور که دارای گذرنامه معتبر سیاسی و خدمتی می‌باشند حق دارند بدون اخذ روادید به کشور متقابل وارد و خارج شده و از طریق قلمرو آن به صورت ترانزیت عبور کنند. ولایتی سند سوم را اعلامیه اصول همکاری بین ایران و روسیه ذکر کرد که در آینده و در فرصت

مناسبی بین روسای جمهور دو کشور امضاء خواهد شد. به گزارش خبرگزاریها در مذاکرات تهران علاوه بر مشورت وزرای خارجه ایران و روسیه به هنگام امضای اسناد همکاری‌های مشترک، امنیت و ثبات در منطقه نیست، اما هلیبرقم اینگونه تصریحات، گزارشات متعددی در دست است که جمهوری اسلامی تلاش می‌کند از طریق روسیه راه دستیابی به سلاحهای هسته‌ای را کوتاه‌تر کند.



وزرای خارجه ایران و روسیه به هنگام امضای اسناد همکاری‌های مشترک، امنیت و ثبات در منطقه نیست، اما هلیبرقم اینگونه تصریحات، گزارشات متعددی در دست است که جمهوری اسلامی تلاش می‌کند از طریق روسیه راه دستیابی به سلاحهای هسته‌ای را کوتاه‌تر کند.

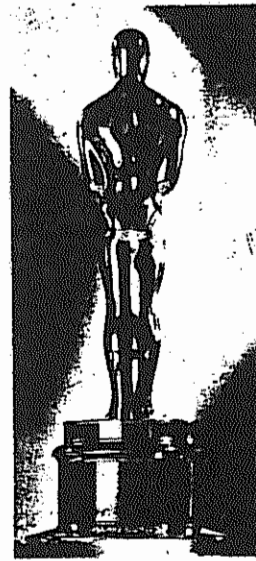
## روزنامه جمهوری اسلامی رنگی شد

چاپخانه جدید روزنامه جمهوری اسلامی توسط هاشمی رفسنجانی افتتاح شد. این چاپخانه در زمینی به مساحت ۵۰ هزار متر مربع احداث شده است. چاپخانه جدید روزنامه جمهوری اسلامی مجهز به ماشین‌انست روتاتیو اکسپرس ۶ است که در حالت هادی می‌تواند ۳۲ صفحه روزنامه - شامل ۸ صفحه چهاررنگی - را به چاپ برساند. روزنامه جمهوری اسلامی که

بعد از برخی تحركات نیروهای بیگانه در مناطق مرزی جنوب شرقی ایران، تعدادی از قاچاقچیان بین‌المللی در این منطقه با اهداف شخصی دست به شارت می‌زنند. کیهان هوایی این "اهداف مشخص" را ایجاد اختلال در روند فقر زدایی از مناطق محروم کشور نامیده است! گزارشهای رسیده خبر از ناامنی‌های شدید در استان سیستان و بلوچستان دارد. عوامل رژیم همه این ناامنی‌ها را قاچاقچیان بین‌المللی نسبت می‌دهند.

# بررسی اسکار ۹۳

مه‌احمدیان



اسکار را بسیاری از هنرمندان و سینماگران جهان نوهی تجارت می‌دانند و باین تضاد هنوز نمی‌توان مخالف بود. سینمای آمریکا بویژه پس از فرو ریزی دیوارهای شرق و غرب در پی فروپاشی شرق به جعبه‌ترین شکلی چنگ بر بازارهای جهانی فیلم انداخته و در زمینه نابودی سینمای ملی کشورها به یکی از خطرات بزرگ علیه گسترش سالم این هنر در سطح جهان مبدل گشته است. تنها نگاهی گذرا به وضعیت سینمای اروپا و بالخصوص اروپای شرقی نشانی از این مدعاست.

برای مثال در سال ۹۱ در اتحاد شوروی سابق حداقل ۷۰ درصد فروش بلیط سینماها متعلق به فیلمهای آمریکائی بود. در این سال بیش از ۴۰۰ فیلم آمریکائی در این کشور و بویژه روسیه به نمایش درآمدند و این در حالیکه که فیلمهای محصول شوروی می‌جنگه چنین تعدادی رانداشتند. (مجله کایه دو سینما - شماره ویژه مه ۱۹۹۲ در باره وضعیت سینمای اروپا) به گفته آکسی گرومن سینماگروس:

«اگر فیلمی ساخته شوروی (سابق) واقعیت امروزی ما را نشان دهد، تماشاگر به دیدن بازتاب مصیبتها و کابوسهای خود نخواهد رفت و اگر فیلمی کم‌دی، شاد و خوش‌بینانه باشد، محکوم به دروغ و حسرت به گذشته می‌شود، در نتیجه تماشاگر برای فراموشی زمانه خود ترجیح میدهد یک فیلم هجو آمریکائی برود و وانمود کند که به چنین واقعیت دور از دسترسی باور دارد.» (همان منبع - مقاله مربوط به وضعیت سینمای شوروی سابق)

در اروپای غربی نیز رقابت نابرابر با سینمای هالیوود ادامه دارد و سینماگران سعی بر هویت بخشیدن به سینمای اروپا دارند. با اینحال، بعنوان مثال در ایتالیا، جایگاه به سرزمین سینما شرمه است، هنر هفتم در ناسامان‌ترین و بحرانی‌ترین دوره‌های خود بسر می‌برد و اینهمه حاصل بی‌شکوه شدن سینمای ایتالیا در مقابل قدرت پولی هالیوود است. با تمام این تفاسیر، یک کاسه گردن مطلق سینمای آمریکا خشک با مجموعه سینمای آمریکا خشک ذهنی محض است. کارگردانی چون وودی آلن، جیم جارموش (سازنده شب روی زمین)، هل مرتلی (سازنده مرد ساده) استیون سودبرگ (سازنده کافکا) را نمی‌توان در کنار «خداوندان» هالیوود قرار داد. علاوه بر این اکنون در کنار هالیوود، سینمایی در آمریکا نضج گرفته است که به «سینمای مستقل» معروف است و در آن هنرمندان واقعی به تلاش آگاهانه، مستقل و آرام خود مشغولند. «سینمای مستقل» را کسانی چون روبرت ردفورد نیز حمایت می‌کنند.

در این میان، جشنواره اسکار در بهالهای اخیر میان دو دنیای پول و هنر در نوسان است و هنوز بسیاری از سینماگران به اسکار باور ندارند. با اینحال آکادمی اسکار سعی دارد چهره خود را دیگر گونه جلوه دهد. اعطای جوایز ویژه چند سال اخیر به بزرگانی چون آکیرا کوروساوا، ساتیا جیت رای و امسال به فدریکو فلینی نشانی از این مدعاست. از

این جهت یکی کردن مطلق جشنواره اسکار و سینمای به معنای اخص کلمه هالیوودی، نمی‌تواند بازتاب تمامی واقعیت باشد بویژه از آنرو که سینمای هالیوودی بیش از هر چیز تبلور سینمای اکشن، بی‌حس و بی‌ربط است، در حالیکه انتخابهای چند سال اخیر آکادمی فیلم اسکار نوهی دوری گزیدن از این فضا را نشان می‌دهد. اینهمه اما نمی‌تواند مانع از آن باشد که آکادمی اسکار همیشه گوشه چشمی هم به همه‌پسندی داشته باشد.

با این دید اگر چه نمی‌توان جشنواره اسکار را جشنواره‌ای مطلقا هنری ارزیابی کرد لیکن نمی‌توان آنرا بی‌اهمیت نیز قلمداد نمود. مرور کوتاه بر انتخاب‌های مهم شصت و پنجمین دوره اسکار بخوبی نوسانها و دوگانگی‌های این جشنواره را نمایان می‌سازد. \* \* \*

انتخاب اصلی امسال، فیلم «ستمگر» ساخته کلینت ایستوود بود که چهار جایزه مهم بهترین فیلم سال، بهترین کارگردانی (کلینت ایستوود)، بهترین بازیگر نقش دوم مرد (جین هاگمن) و بهترین مونتاز (جول کوکس) را از آن خود کرد. «ستمگر» و سترنی است که مابیش متفاوت که در آن کلینت ایستوود به خشونت و ریشه‌دار بودن آن در تاریخ گذشته غرب (امریکا) می‌پردازد. ایستوود در ایجاد فضائی اکسپرسیونیستی، سرد و بی‌روح در زندگی مردم، روابط و برخوردها کاملا موفق است. می‌توان بخوبی دریافت که بر خلاف اکثر فیلمهای وسترن، در «ستمگر» کشتن و کشته شدن چه وزن سنگین و دلهره‌باری دارد. فضای مه آلود و بارانی به همراه نور پردازی زیبای فیلم از عوامل مهم انتقال حسی فیلم هستند. در کنار نکات برجسته فیلم نباید از نظر دور داشت که کلیشه‌ها همچنان باقی‌اند. بر بستر اصلی داستان فیلم (هفت تیرکش سابق که اکنون در مقابل قانون خشن می‌ایستد و مجبور می‌شود از زندگی آرام خود دوباره دست بشوید) تحول یکباره «مونی» (ایستوود) همان هفت تیرکش پیر (شخصیت اصلی فیلم)، پرسوناژهای مطلقا چون «بیل» «کلنتر خشن شمر (جین هاگمن) و دارو دست‌هاش و صحنه‌های انتهای فیلم تمام بار مغمومی آنرا تقلیل می‌دهند و بالاخره خشونت پاسخگوی خشونت می‌شود! بدین ترتیب ایستوود نگاهی هم‌به‌گیشه دارد. فیلم «رایحه زن» زیبایی خود را از آمیختن بازی قوی و محکم ال پاجینو است. پاجینو در این فیلم نقش ژنرال بازنشسته و کوری را دارد که در جستجوی معنا بخشیدن به زندگی خود است. فیلمی با همین نام و مضمون را سالها پیش دینوریزی کارگردان ایتالیائی ساخت و فیلم جدید را می‌توان اجرا و برداشت دیگری از آن فیلم قلمداد کرد. انتخاب ال پاجینو را از سوی آکادمی فیلم اسکار، بعنوان بهترین بازیگر نقش اول مرد، می‌توان انتخاب به حق و شایسته‌ای دانست. ال پاجینو پیش از انقلاب، در ایران با فیلمهای «سریکو» و

## دوباره زیستن

دوباره زیستن  
شعر زیستن دوباره زندگی ست  
در کورهای که از درد می‌گذارد و از هشق بارور  
می‌شود...  
شعر دوباره زادن است  
از پهلوی خون چکان هجری که به دشنه کلمات زخم  
میخورد...  
دوباره زیستن، در کمرگاه کوهی از بلور و فولاد  
دوباره زیستن، در باغی که بهانه بهار ندارد  
و دوباره مردن، از هیبت شهزاده‌ای که تویی  
تا قامت خاکزاده‌ای که منم.

□□  
پیرهنی به من ده، بی‌بوی هیچ فراق  
هصایی، بی‌بار هیچ پیری  
و کفشی که بیمودگی را پیاپی نکرده باشد

□□  
تادربابریت  
به‌آینه داری  
از خویشتن تخی شوم

□□  
آسان که جز کلماتم  
بر آسمان تو ابری نبارد  
مروارید خونم به میوه‌های سرخ زمستانی  
بدل شود.

□□  
دوباره زیستن، بی‌پیرهنی و هصا و کفش...  
تیرستانمان آباد میشود...  
و یا  
«وقتی سر قدرت دعوا دارند، با همه چیز مردم بازی میکنند، ساده نباش.»  
کیهان هوایی بعنوان نمادی از واپسگرترین گرایش رژیم، در هر صده ادبیات و هنر تنها در کعبه پرستانه و زندگی ستیز خود را به رسمیت می‌شناسد و لذا از اینکه معرفتی در رمانش پیچیدگی روابط عاطفی و احساسی انسانها را وانموده و آنها را به تصویر میکشد، برآشفته و آشکارا ارگانه‌های قضایی رژیم را به تعقیب نویسنده «سال بلوا» تشویق می‌کند.  
گناه معروفی آن است که در رمانش هشق یک زن شوهردار به معشوق اول خود (حسینا) را، روایت کرده و گرایش عاطفی دختران دیگر به حسینا را نیز به تصویر کشیده است. کیهان هوایی بجای نقد رمان، پای «ضوابط نشر کتاب» در جمهوری اسلامی را به میان میکشد؛ باین هدف که معروفی و دیگران را از نوشتن در باره زوایای پیچیده هستی انسان باز دارد و از دیگر سو «فطرت» مقامات قضایی در انتشار چنین کتابهایی را یادآور شود. ماده ۸ «ضوابط نشر کتاب» در جمهوری اسلامی میگوید: «نشر کتبی که موجب اشاعه فحشا و ترویج محرّمات شرعی و رذائل اخلاقی باشد، ممنوع است.»  
کیهان هوایی با استناد به این ماده

## ماجرای دنباله‌دار «گردون»

دست و پاگیر و تفسیر پذیر (که با آن میتوان سخن گفتن از هشق را هم ممنوع کرد) کتاب سال بلوا و نویسنده آن را پنهان و آشکار موجب مجازات دانسته و انتشار چنین کتابهایی را برای حزب الله غیر قابل تحمل می‌شمارد.  
راست این است که بینش منحص و واپس‌نگر رژیم در برخورد با انسان و هنر و فرهنگ وی و نیز تزویر و ریای حاکم بر اخلاق و رفتار کارگزاران و قلم بدستان رژیم فقها، هرگونه اثری را که به زوایای باریک و پر رمز و راز زندگی تب زده و یا از جولان تخیل آفرینشگر هنرمند پدیدآمده باشد، برهنی تابد. پس جای شگفتی نیست که فیلمهای «نوبت هاشقی» و «شبهای زاینده رود» در محاق توقیف افتاده‌اند، از نمایش «زندگی و دیگر هیچ» کیارستمی تنها به سبب واقعی بودنش ممانعت بعمل می‌آید، «کتاب کوچک» احمد شاملو بخاطر ثبت احساسات، کنایات و برداشت‌های مردم عادی در آن اجازه انتشار نمی‌یابد و... مشکل اصلی، نگاه و نگرش قرون وسطایی رژیم و قلم بدستان آن به انسان، به بازتاب‌های روانی و عاطفی و پست و بلند اندیشه‌های وی و نیز به آفرینش‌های فرهنگی و هنری اوست. هنر پیشرو معاصر ایران در سرشت خود انکار همین بینش کپک زده رژیمیان است، و چالش و ستیز حزبالله باین هنر از همین جاسر چشمه می‌گیرد.  
دریافت جایزه بهترین سناریو که نوشته خود نیل جوردن بود می‌شود اما کاندید شدن فیلم در تسهیمات مختلف جوایز اسکار خبر از موفقیت تجاری فیلم ادامه در صحنه ۹

پس از آنکه حزب الله از حمله به دفتر ماهنامه «گردون» و دادگاهی کردن مسئول آن طرفی نیست، اخیرا با بکار گرفتن ترفند جدید باز هم در راه بستن دهانها و شکستن فکها تشبثات تازه‌ای را آغاز کرده است. بهانه این بار، رمان تازه عباس معروفی به نام «سال بلوا» است.  
«سال بلوا» پس از «سمفونی مردگان» دومین رمان عباس معروفی است. نویسنده این کتاب بر متن رویدادهای پس از شهریور ۳۰ به رابطه‌های احساسی و عاشقانه میان دو تیپ اصلی داستان (نوشافرین و حسینا) می‌پردازد و از این رهگذر به مسائل تاریخی، اجتماعی و فرهنگی معاصر نیز تظّم می‌زند. می‌گویند: «چوب را که برداری، گریه خودش فرار میکند.» حالا حکایت قلم به دست‌های حزب‌اللهی در کیهان هوایی است. در شماره ۱۰۴۴ کیهان هوایی در «نقد» کتاب سال بلوا مقاله‌ای چاپ شده که در آن با نقل جملاتی از کتاب، نویسنده آن به کنایه و نیش قلم به رژیم اسلامی متهم شده و برای وی خط و نشان کشیده میشود. جملاتی از رمان سال بلوا که خشم حزب‌اللهی‌های کیهان هوایی را برانگیخته، چنین‌اند: «نشر معصوم گفت: «تو حساب کن اگر حد وسط روزی ده سرپاز کشته شونی، ارقام به کجاسر می‌زند!»  
نوشافرین گفت: «هوشش که فرگوس رفقای خود را از دست می‌دهد و به لندن نقل مکان می‌کند، باینکه رابطه عاشقانه او با یک آرایشگر بجای رابطه همیق گذشته او می‌نشیند و بکلی او را دگرگون می‌کند اما بررور از بار

# از پار سال تا امسال

علی اکبر قنبری

در جهان پر از حادثه و تحول امروز کم نیستند مقامات یا حاکمانی که در فاصله اندکی - حتی کمتر از یکسال، در حالیکه شکست ناپذیر و موقعیت شان مستحکم می نماید، ستاره بخت شان رو به افول می گذارد و قدرت و موقعیت خود را از دست می دهند. رفسنجانی رئیس جمهور اسلامی را باید در شمار چنین کسانی بحساب آورد. لیکن اگر افول قدرت و موقعیت بسیاری از آنها قابل تشخیص و در بسیاری موارد قابل پیش بینی بود، رفسنجانی از این استثنا برخوردار بود که همه ارزیابیها و پیش بینیها در داخل و خارج - شاید باستثناهای نادری - به نفع او و تحکیم موقعیت و پیشرفت نقشه های او، سیر حوادث وارونه رفت و بر همه آن تصورات که پیش از هر کس خود رفسنجانی و اطرافیان فریق در آن بودند، خط بطلان کشید.

سال پیش در همین روزها رفسنجانی مراحل پایانی تدارک انتخابات چهارم مجلس را کارگردانی می کرد. همه چیز مطابق دلخواه بود. پیشاپیش روشن بود که تدریجاً خط امامی از مجلس کنار خواهد ماند و مقصود اصلی در انتخابات همین بود، حاصل خواهد آمد. ارزیابیها چنان بود که اگر تدریجاً خط امامی از ارگانهای اصلی قدرت حذف شوند، همه چیز روبراه خواهد بود. بر نامه های دولت بی هیچ مانع جدی پیش خواهد رفت، اقتصاد رونق خواهد گرفت، رابطه با غرب و امریکا حتی امکان خواهد بود گشایش سیاسی امکانپذیر خواهد شد. این ارزیابیها در مواردی - بیرون از جانب ناظران خارجی - تا آنجا پیش می رفت که می شد پرسوتوریکای رفسنجانی به تدریج پایه های نظام ولایت فقیه را سست و آنرا از محتوا خالی خواهد کرد و راه برای انجام دگرگونیهای بسیاری در رژیم اسلامی باز خواهد شد. بسیاری از دولت های غربی روی چنین سیری از حوادث و تقویت موقعیت رفسنجانی - که آنرا میانه روی می خواندند - و تضعیف جناح های افراطی حساب باز کرده بودند. در دامن زدن به این تصورات و ارزیابیها، تبلیغات خود و اطرافیان رفسنجانی و کارگزارانش در کشورهای خارجی نقش جدی داشتند و توانسته بودند امیدواریهایی مہینہ راحتی در میان مردمی که

محتاجان شب خود بودند، ایجاد کنند. لیکن یک ماه پس از انتخابات مجلس آشکارا روشن شد اوضاع آفتور پیش نخواهد رفت که پیش بینی می شد و این نه پیامد انتخابات مجلس، بلکه نتیجه شورشهای مردمی در چندین شهر بزرگ کشور بود. نتایج انتخابات تقریباً همان بود که رفسنجانی و دیگر سران حکومت می خواستند. اما انفجار احساسات مردم، آنچنان که رخ داد و آشکارا ضد حکومتی بود، نه در محاسبات آنها بود و نه انتظار آنها داشتند و همین شورشها بود که ارزیابیها و نقشه ها را درهم ریخت. بخش بزرگی از حکومت از آنچه رخ داد بکلی وحشت کرده وزیر پاری خود را لوزان یافتند. برای نخستین بار در ۱۴ ساله نظام اسلامی بود و نبود آن طرح شد و دو سه هفته ای پیش طول کشید که سمت و مہمہای تازه روشن شد. علی خامنه ای که در سه سال بعد از مرگ خمینی نتوانست خود را از زیر سایه سنگین رفسنجانی خارج کند، فرصت را غنیمت شمرد و ابتکار عمل را برای هدایت امور نظام در سمت تازه بدست گرفت. عہدہ کارنہای قدرت و پیش از همه روحانیت که برای تشخیص مصلحت نظام علی خامنه ای را صالح تر از رفسنجانی یافته بودند، پشت سر رهبر قرار گرفتند. حزب الله که پس از سه سال از او و برای مقابله با شورشها کوچک و خیا بانها را قرق گاہ خود کرده بود، با هدایت و حمایت خامنه ای به حضور خود و گردنکشی علیه مردم جنبه رسمی داد. فضای سیاسی کشور تغییر کرد و خیلی زود تعادل قوادر حکومت به زیان رفسنجانی چرخید و سخنان مرد شماره یک نظام (رفسنجان) که می گفت با "تفکر مسجد و گورستان و دور امامزاده ها" نمی شود کشور را اداره کرد، نجوایی شد که در فریادهای و اسلاما و نظامی هر روز رهبر گم شد. رفسنجانی از اواسط سال گذشته دیگر به راه ورشوهای تن داد که مصلحت عاجل نظام و دوام و بقای آن آنها به تشخیص رهبر ایجاب می کرد تا نقشه های حساب شده برای سر و سامان دادن به امور، تنها مجارت او در این بود که چنان بازی کند که بکلی از گردونه خارج نشود و انتخاب مجدد خود در دور آتی انتخابات ریاست جمهوری را تضمین نماید.

حال، آقای رفسنجانی سال

جدید را بکلی متفاوت با سال گذشته آغاز کرده است. گرچه یک انتخابات دیگری در پیش است اما کمتر کسی دیگر - حداقل در ستاره های درخشانی را می بیند که سال پیش در چنین روزهایی می دید. گرچه رفسنجانی تا حدی توانسته بخشهایی از اصلاحات اقتصادی خود را از زیر ضرب خارج کند و پیش برد، اما خود او بیش از هر کس می داند آنچه او در حال انجام آنست با آنچه می بایست می شد (اگر تصد سز و سامان دادن دورنگرانه امور بود) تفاوت از کجا تا کجا است. او اکنون با انبوه مشکلات و تنگناهای عظیم روبروست. مشکلات اقتصادی در راس همه است. او و جناح منتسب به او بدرستی تشخیص داده بودند که ادامه سقوط اقتصادی کشور در این حال پایان کار نظام اسلامی هم هست. این ارزیابی اکنون بیش از هر زمان دیگر مصداق دارد. لیکن مشکل تنها این نیست. استیصال مردم به نهایت درجه رسیده است. کمر مردم در اثر تنگناهای معیشتی واقعاً خم شده است. پیامد چنین وضعی به احتمال بسیار هشیانها و توفانهایی است که حکومت و دولت رفسنجانی در سال پیش رو باید با آن دست و پنجه نرم کند. علاوه بر این، فشارهای فزاینده بر مرصبت مضاعفی برای دولت و حکومت است. فشارهای خارجی چنان است که تعدیلات ناشی از آن برای رژیم کمتر از پیامد هشیان توده ها نیست. تقریباً هیچ نشانی از آن نیست که فریب از در سازگاری با حکومت اسلامی در آید. این اواخر رفسنجانی بسیار کوشید که در فریب درباره او باز هم همانگونه بیاندیشند که سال پیش در چنین مواقعی می اندیشیدند ولی تاکنون نتیجه نداده است و بجای آن این خبر و مطبوعات غربی انعکاس یافته که ترور مخالفان ایرانی رژیم در خارج از کشور با اطلاع و تأیید ایشان صورت می گیرد.

بی هیچ تردید حکومت اسلامی چه انضمام رفسنجانی - در خطرناکترین دوره حیات ۱۴ ساله خود قرار دارد با این همه نمی توان گفت که دیگر کار رژیم ساخته است. گرچه راههای جستن از خطر نیز برای هیچکس روشن نیست لیکن این را می توان گفت که اگر پار سال در همین روزها با قدرت و قوت درباره موفقیت و تحکیم موقعیت رفسنجانی صحبت می شد، امسال و در این روزها با همان وسعت و قوت درباره در ماندگی ایشان سخن می رود.

# وظیفه ای که هر روز مبرم تر می شود

ف. تابان

سرنوشت امروز استثمارشدگان و محرومان کشور ماست. نسبت به سوخ این گونه افکار در نیروهای چپ باید هشیار و حساس بود. دفاع از عدالت اجتماعی قبل از هر نیرویی مشخصه نیروی چپ و برهده این نیرو است. به ویژه امروز ضروری است از این خصت عدالت خواهانه بخوبی دفاع نمود. وظیفه دشوار برقراری رابطه ای درست میان خواسته های آزادیخواهان کمل جامعه با مبارزه عدالت جویانه توده های مردم است. مبارزه ای که متاسفانه نه در میان روشنفکران و نه در میان احزاب سیاسی به اندازه مبارزه آزادیخواهان طرفدار ندارد. این وظیفه هر روز با اهمیت بیشتری در برابر ما قرار می گیرد، زیرا سیر قابل پیش بینی مبارزه بر خلاف آن چه بسیاری در ذهن خود ترسیم کرده اند، مبارزه ای است که پیش از پیش علیه گرسنگی و فقر جعت می گیرد. بهمان نسبت که تضادهای طبقاتی اوج می گیرد، باید بیشتر بر خصت عدالت جویانه مبارزه و اهداف نیروی چپ تاکیدی صورت پذیرد. بدون داشتن موضع قاطع در این زمینه، ما نخواهیم توانست موضع قاطعی در قبال آزادیهای سیاسی و دموکراسی نیز داشته باشیم زیرا آزادی مورد نیاز مردم نه فقط حق برخورداری از آزادی های سیاسی بلکه آزادی در داشتن نان، مسکن، کار و ... نیز هست و از همین رو بطور مستقیم با منافع اقلیتی محدود که امکانات جامعه را در اختیار گرفته اند، در تضاد قرار می گیرد.

در شرایط کنونی که جامعه ما در آستانه برخورد های بیشتر و تندتر میان اکثریت عاصی از فقر و گرسنگی و تنگدستی از یک سو و اقلیتی مرفه و برخوردار و دولت حامی آنان از سوی دیگر قرار گرفته و فاجعه ای نرویناک کشور را تهدید می کند، دفاع پیگیر از حقوق پایمال شده مردم و ارائه برنامه ها و راه حل های عاجل به منظور مقابله با روند تنگدستی روز افزون جامعه و توده مردم، باید بیش از پیش در مرکز توجه نیروهای چپ قرار گیرد و چپ ایران بار دیگر این آمادگی را در خود ایجاد کند، که به دفاع قاطع از خواسته های عدالت خواهانه مردم برخیزد.

حتی دولتمردان جمهوری اسلامی هم پنجه نمی کنند که اوضاع نابسامان اقتصادی در سال نو نیز ادامه خواهد یافت. گفته می شود بحران ارزی که یکی از سخت ترین جنبه های بحران اقتصادی کشور است و اثرات عمیقی بر تاروپود اقتصاد کشور گذارده است، در سال آینده فشارهای بیشتری را بر بیکر نحیف و ورشکسته اقتصاد وارد خواهد کرد. اکنون دیگر کسی پنجه نمی کند که دولتمردان حکومت اسلامی کشور را به میزان ۳۵ تا ۴۰ میلیارد دلار معروض کرده اند و بنابه اشاره برخی روزنامه های وابسته به رژیم مهلت پرداخت نیمی از این قروض در سال ۷۳ است. اجرای این تعهدات فشار طاقت فرسای فزاینده ای را بر مردم تحمیل خواهد کرد. اقدامات دولت به منظور یکد نرضی کردن ارز، که از قرار معلوم قبل از آنکه ناشی از وضعیت اقتصادی کشور باشد، محصول فشار ارگانهای پولی خارجی است، عامل تشدید کننده ای در این جهت است.

آنچه که رخ داده و قرار است رخ دهد، نه نتیجه این یا آن فشار حزب الله و نیروهای ارتجایی، بلکه محصول مستقیم سیاستهای تعدیل اقتصادی است. سیاستهایی که قرار بود رفاه و فراوانی به ارمغان آورد، اما اقتصاد کشور را به ورشکستگی کشانده و بنابه اماره ای رسمی نزدیک به ۴۰ درصد مردم را به زیر خط فقر رانده و بر تعداد این گونه مردم در دم می افزاید. مطلبین و کارشناسان فیر وابسته به رژیم از فاجعه های سخن می گویند که در حال شکل گیری است. تعطیلی کارخانه های داخلی، موج جدیدی از گرانی و تورم و بیکاری فزاینده تر از نتایج نزدیک این فاجعه و تشکیل ارتشی میلیونی از گرسنگان و بی سرپناهان که برای ارتزاق خود به زباله گردی روی می آورند و شیخا در دورت آن است. دیگر کمتر توهمی نسبت به توان و امکانات اراده دولت برای مقابله با مشکلات فزاینده اقتصادی و اجتماعی باقی مانده است. در واقع امر نیز دولتمردان هیچ برنامه دیگری ندارند جز آنکه بهبود اوضاع را به سالها و دهساله های آینده حواله دهند و هم چنان مردم را به تحمل،

نیاموخته ایم و باز مرتکب اشتباه می شویم. مروری بر زندگی سیاسی همدان مندرس نگویدیم، مارکوس و شاه ما را از این خوشبختی در خواهد آورد که این امامزاده شفا دهنده خواهد بود. بیش از هزار سال است که مردم ایران برای بدست آوردن آزادی و عدالت مبارزه می کنند و هیچگاه از پیافتادند مبارزه ملت ایران یک تداوم تاریخ است که روند تکاملی خود را مرحله به مرحله تا به امروز طی کرده است. مردم ایران از آذری و کرد و بلوچ و ترکمن گرفته تا خراسانی و خوزستانی و گیلانی و مازندارانی و فارس در زیر یک پرچم و در یک صف واحد قرار دارند و تا بدست آوردن آزادی و برقراری عدالت اجتماعی و

جمهوری خواه منگی از یک آبشخور سیراب می شوند. آبشخورمانها تا! آنچه منافع کلان سرمایه داران و کارتلها و تراستهای حاکم می کنند در آن قدم بر میدارند. این حقیقتی است که آقایان مسعود رجوی، مصطفی هجری و دکتر سید احمد مدنی نیک میدانند و بخوبی از آن آگاهند اما چرا به آستان آقای بیل کلینتون روی آورده اند موجب حیرت است و درخور تاسف، شاید از سوزش نیش هجرهای جرار به مارفاشیه پناه برده اند اما گویا فراموش کرده ایم قدرت لایزال دیگری هم وجود دارد و آن ملت شریف ایران است. بیایید بجای بیگانگان به ریسمان مردم ایران بیاویزیم که رستگاری در این راه است. چرا از تاریخ تجربه

## مقاله رسیده به نشریه کار ما را چه می شود؟

برپائی حکومت قانون به مبارزه ادامه خواهند داد. دیر یا زود حاکمان مستبد را از اریکه قدرت بریز کشیده و برای همیشه در اعماق تاریخ مدفون خواهند نمود. بجای بیل کلینتون ها ملت ایران را ناجی قرار دهیم و تا فرصت باقی است جانی در صف مردم برای خود باز کنیم و در کنارشان قرار بگیریم دست در دستشان نهاده و با آنها به پیش روی پیروزی از آن ما خواهد بود. از بیگانه و بیگانگان دوری کنیم، زیرا جز بد نامی چیزی عایدمان نخواهد شد و رسوائی و ننگ زات را تا ابد برای خود خردیده ایم.

هر آنچه شرطی بلاغ است با تومی گویم تو خواه از ستم پندگیر خواه ملال با تقدیم احترام محمود دمه ران ادیب

میت تحریریه نشریه کار: پس از سلام و آرزوی موفقیت بعرض میرسد: شماره ۵۲ نشریه گرامی کار خبری درج شده بود که ملت گرامی را بدرستی آورد. پیام تبریک آقایان مسعود رجوی، مصطفی هجری و دکتر سید احمد مدنی به آقای بیل کلینتون و درخواست مساعدت از ایشان برای رهائی مردم ایران! ما را چه می شود که این چنین چسبیده ایم؟ ما را چه می شود که مردم مقاوم و مبارز

ایران را فراموش کرده و به دشمنان دل بسته ایم. بجای اینکه باستان ملت پناه بریم سر باستان بیگانگان می سائیم. بجای اینکه دست هم بگیریم و به کمک هم بپاخیزیم چشم امید بر غیر دوخته ایم. تا ما را از زمین بلند نماید. آیا بهیچ رسیده ایم و یا پوچ شده ایم...؟ ستارخان کجاست که آرزو داشت ۱۷ مملکت را زیر بیرق ایران ببیند. امروز ما بزر پرچم بیگانه رفته و امیداری از او داریم. مصدق کجاست که آرزوی قطع نفوذ بیگانگان را داشت و میخواست ملت ایران حاکم بر مقدرات خود باشد. اکنون ما

ایران را فراموش کرده و به دشمنان دل بسته ایم. بجای اینکه باستان ملت پناه بریم سر باستان بیگانگان می سائیم. بجای اینکه دست هم بگیریم و به کمک هم بپاخیزیم چشم امید بر غیر دوخته ایم. تا ما را از زمین بلند نماید. آیا بهیچ رسیده ایم و یا پوچ شده ایم...؟ ستارخان کجاست که آرزو داشت ۱۷ مملکت را زیر بیرق ایران ببیند. امروز ما بزر پرچم بیگانه رفته و امیداری از او داریم. مصدق کجاست که آرزوی قطع نفوذ بیگانگان را داشت و میخواست ملت ایران حاکم بر مقدرات خود باشد. اکنون ما









# خبرها و نظرها

## مشق نشریه ایرانشهر

تقریباً سه ماه پیش نشریه جدیدی با عنوان ایرانشهر به مدیریت و سردبیری آقای شجاع الدین شفا منتشر شد. مشق این نشریه، ادامه مقالاتی است که در ماههای اخیر شجاع الدین شفا در انتقاد به رضا پهلوی و دیگر نیروهای سلطنت طلب نوشته است. در سرمقاله اولین شماره نشریه شجاع الدین شفا در توضیح اهداف این نشریه مینویسد که پس از چهارده سال امروز شرایطی استثنائی است و آرامش امروز به احتمال بسیار آرامشی پیش از طوفان است و در چنین شرایطی میبایست بسیار گفتنیها بپوشیده شده و ارزیابیها بپوشیده صورت گیرد. وی در ادامه مینویسد که در سالهای گذشته شرایط بسیار مساعد انسانی، مالی و سیاسی برای مبارزه با رژیم وجود داشت که به همل مختلف که اساسی ترین آنها هدم رهبری بود از دست رفت و به همراه آن شور و گرمی نخستین جای خود را به سرخوردگی و ناباوری سپرد. امروز نسلی تازه به میدان آمده است و آنچه برای این نسل اهمیت دارد ذکر مصیبت های چهارده ساله نیست. تجدید پیمان با اصالت های ملی و تجدید پیوند با ارزشهای تاریخی و فرهنگی در همین همگامی با تحولات شتابان جهان امروز است و نتیجه میگیرد که رسالت هر جنبشی که برای بازیابی ایرانی ایرانی پیریزی شود این است که فرهنگ راستین ایرانی را به نسل جوان امروز که نسل سازنده فرداست ارائه کند.

شجاع الدین شفا در جابجای مقاله خود روشهای رضا پهلوی و هم نظران وی را شاه سلطان حسینی خوانده و مینویسد "همان نیروی بالقوه ای که دیروز توانست ایران خود باخته شاه سلطان حسینی را در کوتاه مدتی با گردشی ۱۸۰ درجه ای به ایران گردن نواز و مقتدر نادری تغییر ماهیت دهد در این سالهای بی حاصلی پایان قرن بیستم مانع همچنان بر جای خود و به قوت خود باقی است؟! و ادامه میدهد که ریشه همه ناسامانیها را در آن خلا رهبری می باید جست که سیزده سال است بر جامعه برون مرزی ما حکمفرما بوده است و امروز هم هست. و ادامه میدهد که

در ادامه مقاله وی در توضیح اختلافات خود با داریوش همایون مینویسد که بر خلاف مشاوران رضا پهلوی وی معتقد است در شرایط اضطراری امروز شاه مسئولیتها و تعهداتی دارد که بوظایف قانونی یک پادشاه مشروطه در زمان صلح محدود نمیگردد. وی اختلاف دوم خود را با مشاوران رضا پهلوی ارزیابی متفاوت از دوران سلطنت محمد رضا شاه دانسته و انتقادات مطرح شده توسط آنان را رد می کند. و بلاخره اختلاف سوم خود با آنها را هدم جدی گرفتن مقام سلطنت توسط رضا پهلوی دانسته و می نویسد هیچکس حتی خود شاه هم حق ندارد چنین مسئولیتی را غیر جدی تلقی کند و بر پادشاه بودن خود تاکید ننماید.

## کیهان چاپ لندن رضا پهلوی را به تصمیم گیری دعوت کرد

نشریه کیهان چاپ لندن در سرمقاله شماره ۱۲ فروردین خود با عنوان "پادشاه و ما"، بی هملی رضا پهلوی را مورد نقد قرار داده و به او هشدار داده است که اگر خود را در سطح مردمی نگه ندارد "که پای به میدان نبردی سمناک چون برانکندن رژیم کنونی ایران می نهد"، "ناگزیر فرو می افتد". کیهان لندن با تصریح اینکه رضا پهلوی را "وارث تاج و تخت" می شناسد، و تایید موضع اعلام شده او مبنی بر اینکه به تصمیم مردم در تعیین نوع نظام گردن خواهد نهاد، به وی یادآور می شود که "رسیدن به مقام پادشاهی به میزان بسیار به سعی بستگی دارد که او در پیکار برای برانکندن رژیم کنونی ادا می کند". کیهان لندن، رابطه

در نشریه کیهان چاپ لندن در مقاله شماره ۱۲ فروردین خود با عنوان "پادشاه و ما"، بی هملی رضا پهلوی را مورد نقد قرار داده و به او هشدار داده است که اگر خود را در سطح مردمی نگه ندارد "که پای به میدان نبردی سمناک چون برانکندن رژیم کنونی ایران می نهد"، "ناگزیر فرو می افتد". کیهان لندن با تصریح اینکه رضا پهلوی را "وارث تاج و تخت" می شناسد، و تایید موضع اعلام شده او مبنی بر اینکه به تصمیم مردم در تعیین نوع نظام گردن خواهد نهاد، به وی یادآور می شود که "رسیدن به مقام پادشاهی به میزان بسیار به سعی بستگی دارد که او در پیکار برای برانکندن رژیم کنونی ادا می کند". کیهان لندن، رابطه

## داریوش همایون؛ تحلیل تاریخی از روند دموکراسی در ایران

شاه مخالفت چندانی بر نیانگیزت. مخالفین برنامه های اصلاحی و همچنین کسانی که شعار "اصلاحات آری، دیکتاتوری نه" را مطرح می کردند به حاشیه رانده شدند. وی می نویسد محمد رضا شاه نیز از این پس تجربه سزاریسیم را در ایران تکرار کرد. محبوبیت شخصی پادشاه جانشین مشروطیت همد نهادها شد. اصلاحات به عنوان جانشینی برای دموکراسی در نظر گرفته شد و پادشاه رهبر اصلاحات را به عنوان هدیه ای به مردم میداد و در برابرش قدرت مطلق می خواست. پس از سقوط رژیم شاه نیز نیروهای سرنگون کننده جز نیروهای مذهبی همان ناتوانیها و گمراهیها، کوری بر واقعیات و نگرش تاکتیکی و کوتاه مدت به مسئله دموکراسی ردا داشتند "شعاری برای رسیدن به قدرت مطلق".

داریوش همایون در انتهای مقاله خود بر بی اعتبار شدن نیروهای مخالف دموکراسی تاکید کرده و می نویسد هر چند پس از جمهوری اسلامی دیکتاتوری نظامی می تواند خطری برای دموکراسی در ایران باشد ولی دیکتاتورها و هوامفریبان در جهان امروز امکانات نامساهدتری از صد سال گذشته راد اختیار دارند.

"میراث" و همل را به نقل از گوته چنین توضیح می دهد: "آنچه از نیاکانت به میراث برده ای، به اکتساب کوش تا از آن تو گردد". این نوشته، توجه رضا پهلوی را به این نکته جلب کرده است که: "اعلام قصد، و همد های شیرین دادن، در مکتب های سیاسی پرسه زدن - اینها و جز اینها نمی تواند جای یک تلاش شبانه روزی واقعی سیاسی را بگیرد." نوشته، در ادامه با انتقاد از تعیین تکلیف نکردن رضا پهلوی با گرایش و جناح سلطنت طلبان افراطی و "منتقد" به او تذکر می دهد که: "کار بسا بزرگتر از دوئل های لفظی است که میان او و برخی منتقدانش گهگاه در می گیرد، که یکی بگوید چون بهرام گور تاج از میان دوشیر

رسیدن رضاشاه جنبش مشروطه را شکست نداد بلکه شکست جنبش مشروطه نیاز به رضاشاه را پدید آورد. رضاشاه از یک سو بسیاری از آرزوهای پدران جنبش مشروطه را هملی ساخت و از سوی دیگر همنصر اصلی آزادی خواهی و مردمی را از مشروطه حذف کرد. وی در تحلیل دوران رضاشاه بر اصلاحات وی تاکید کرده و در همین حال مینویسد وی نه بسان یک دیکتاتور نوین (چون آتاتورک) که بر اهمیت نهاد های سیاسی و ریشه دار کردن فرایندهای سیاسی واقف بود بلکه یک سلطان مستبد شرعی با خلق و خوی و روش های بسیاری از پادشاهان بزرگ ایران بود. زمانی که رضاشاه از ایران رفت جامعه ایران چنان دگرگون شد که مذهبی خانها و رهبران مذهبی دیگر نمی توانستند آرا بگذشته باز گرداندولی پیامدهای منفی فلسفه حکومتی استبدادی وی نیز بخش دیگری از میراث وی بود.

در سالهای پس از رضاشاه، برنامه های اصلاحی متوقف ماند. ضعف نهادهای حکومتی و زنه مجلس را بیش از اندازه سنگین نمود و فرض نامحیوانی دموکراسی با اصلاحات و پیشرفت در ذهنها استوارتر شد. وی در تحلیل از مصدق می نویسد او از سویی با دادن امتیازات به خارجیان مبارزه

## با اشتراك کار ما را در پیشبرد وظایفمان یاری رسانید

<p>فرم اشتراك</p> <p>برای اشتراك نشریه کار، فرم زیر را پر کرده، به آدرس نشریه کار ارسال نمائید.</p> <p>مایلم نشریه کار را برای مدت شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال <input type="checkbox"/> مشترک شوم. معادل بهای اشتراك بصورت حواله بانکی <input type="checkbox"/> تمبر پستی <input type="checkbox"/> همراه نامه است.</p> <p>آدرس: _____                  (لطفاً خوانا بنویسید)                  Name: _____                  Address: _____</p>	<p>بهای اشتراك نشریه کار</p> <table border="1"> <tr> <td>شش ماهه</td> <td>یکساله</td> </tr> <tr> <td>۴۵ مارک</td> <td>۹۰ مارک</td> </tr> <tr> <td>۵۲ مارک</td> <td>۱۰۴ مارک</td> </tr> </table> <p>مطالبی که با امضاء فردی در کار درج می شود، لزوماً بیانگر موضع و نظر نشریه نیست.</p>	شش ماهه	یکساله	۴۵ مارک	۹۰ مارک	۵۲ مارک	۱۰۴ مارک	<p>ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)</p> <p>حساب بانکی: M.ABD                  NR_35263011                  کدبانک: 37050198                  Stadtparkasse Köln                  GERMANY</p> <p>آدرس: Ruzbeh                  Postfach 1810                  5100 Aachen                  Germany</p> <p>fax: 00 49 - 221 - 3318290</p>
شش ماهه	یکساله							
۴۵ مارک	۹۰ مارک							
۵۲ مارک	۱۰۴ مارک							

## ترور جنایتکارانه کریس هانی رهبر حزب کمونیست افریقای جنوبی

### می خواهند افریقای جنوبی را در آتش خشم بسوزانند

## ایتالیا؛ انحطاط اخلاقی دولتمردان

### و بحران سیاسی در کشور

مقامات تراز اول جاسارت و اعتماد به نفس بیشتری از خود نشان میدهند. تحقق نسبی ایده وحدت اروپا و امضای پیمان ماستریخت نیز سبب شد که دیگر کشورهای اروپایی از ترس نفوذ مافیا و شبکه‌های مافیا و شبکه گسترده آن در کشورهای خود، ایتالیا را برای مافیا زدایی تحت فشار بیشتری قرار دهند. همه این عوامل سبب شد که ظرف یکی، دو سه سال اخیر مبارزه با مافیا و شبکه‌های مافیا و نیز تعقیب جرم‌ها و تخلفات زمامداران ایتالیا، از سوی قوه قضاییه با جدیت بیشتری دنبال شود.

با دستگیری برخی از چهره‌های اصلی مافیا و اعتراف آنها به همکاری و پیوند با تعدادی از رهبران بلند پایه سیاسی و نمایندگان مجالس، انحطاط و سقوط اخلاقی رهبران و احزاب و سیاستمداران نهاد و تبارز بیشتری یافته و بحران حکومتی بیسابقه‌ای حیات سیاسی ایتالیا را فرا گرفته است. برخی از ناظران وضعیت کنونی ایتالیا را با سیستم ۱۹۴۳ مقایسه میکنند که در نتیجه ورود نیروهای متفکران از یکسو و ارتش هیتلر از سوی دیگر، ایتالیا عملاً فاقد دولت و نهادهای اجرایی گشت. در کابینه کنونی ایتالیا ۷ وزیر تاکنون به خاطر رشوه خواری و اتهام رابطه با مافیا مجبور به استعفا شده‌اند. به رئیس یکی از مجلسین ایتالیا نیز از سوی مقامات قضایی همین اتهامات وارد آمده است.

در این حال وخامت اوضاع اقتصادی در ایتالیا نیز مزید بر هلت شده است. کسری بودجه و کاهش شدید ارزش پول ایتالیا در برابر ارزهای خارجی اقتصاد این کشور را با بحران کم نظیری مواجه ساخته است. احزاب حاکم ایتالیا به سبب بحران اخلاقی فعلی با استعفا جمعی اعضای خود مواجه‌اند. شمار اعضای حزب دمکرات مسیحی از ۹/۱ میلیون نفر به یک میلیون کاهش یافته و تیراژ نشریه "اوانتی" ارگان سوسیالیست‌ها به ۱۵۰۰۰ عدد رسیده است. درآمدهای احزاب کفاف امور روزمره آنها را نمیکند و از این رو آنها بخشی از اموال و دارایی‌های خود را به معرض حراج گذاشته‌اند.

همه اینک همه نظرها در ایتالیا متوجه نتایج انتخابات مجالس در روز ۱۸ آوریل است. برای برخی از آگاهان سیاسی این روز بمثابة روز سر نوشت احزاب سنتی ایتالیا تلقی میشود. با این همه به نظر نمیرسد که روندها و تحولات اخیر در کوتاه مدت تغییرات برجسته‌ای را در ایتالیا به دنبال داشته باشد.

با احضار جولینو آندره ثوتی به دادگاه برای پاسخگویی به سوالاتی درباره رابطه اش با مافیا، بحران ناشی از بی‌اعتباری سیاسی و تنزل اخلاقی احزاب و سیاستمداران ایتالیا به اوج خود رسید. آندره ثوتی سیاستمدار پرسابقه دمکرات مسیحی، از جنگ جهانی دوم به این سو از چهره‌های همدمه سیاست ایتالیا بوده و تاکنون ۷ بار سمت نخست وزیری این کشور را بعهده داشته است.

تا دو، سه سال پیش هر از گاه در جامعه ایتالیا شایعاتی مبنی بر رشوه خواریهای کلان سیاستمداران و رابطه پنهان آنها با مافیا پخش میشد، لیکن هیچ ارگان و نهاد قضایی و قانونی پی آن را نمی‌گرفت و لذا در اندک زمانی به فراموشی سپرده میشد. در دوران پس از جنگ، دولتهای ایتالیا معمولاً ائتلافی بوده‌اند از دو حزب همدمه سوسیالیست و دمکرات مسیحی و متحدان کوچک آنها. در واقع این ائتلاف در هنگامه جنگ سرد با بهره‌مندی از حمایت‌های همه جانبه آمریکا مانع از آن بود که کمونیست ایتالیا به‌مثابه بزرگترین حزب کمونیست اروپا به قدرت دست یابد و از سوی دیگر بعنوان "نهاد وحدت ملی"، ثبات ایتالیا را بعنوان کشوری در همسایگی اروپای شرقی تأمین میکرد. در این میان احزاب حاکم با در دست داشتن قدرت در چندین دهه، بتدریج وزارتخانه‌ها، سازمانها و صنایع دولتی را ملک طلق خود پنداشته و انواع و اقسام رشوه‌خواریها، دلال‌بازیها و ایجاد رابطه با نیروهای مافیای آنها را انجام داده‌اند و فراتر از آن با محافل مالی و صنعتی بخش خصوصی نیز پیوندهای تنگاتنگی برقرار ساخته بودند، به گونه‌ای که فرار از زیر بار مالیات‌ها و قید و بندهای حقوقی و قانونی برای این محافل هیچ دردسری در پی نداشت.

بحرانهایی هم که گهگاه در دولتهای ایتالیا پدید می‌آمد، با امتیاز دمی احزاب حاکم به یکدیگر و جایبایی وزیران حل و فصل می‌شد. با فروپاشی اردوگاه شرق "وحدت عمومی" حاکم در ایتالیا نیز کم و بیش رو به پایان نهاد و محافل و نیروهای مختلف دیگر نیازی به حفظ پیوندهای محکم سابق با سایرین نداشتند. در همین راستا قوه قضائیه ایتالیا که به ارا به نهادهای اجرایی و رهبران احزاب بدل شده و از پیگیری هرگونه جرم و خلافی در رده‌های بالای حکومت عاجز بود، نیز قدرت و اختیار عمل بیشتری یافت و محافل قضایی ایتالیا اکنون در تعقیب تخلفات و قانون شکنی‌های

درباره قتل کریس هانی شد. او مردم را نیز به تظاهرات و راهپیمایی اعتراضی به قتل کریس هانی دعوت کرده است.

دکتر راج رهبر حزب دموکراتیک ترور را شوم و انتقام جویانه خواند، عملی که هدفش شکستن اعتمادهاست.

حزب کمونیست افریقای جنوبی نیروی سازمانگر همدمه A.N.C. است. این حزب تنها حزب کمونیست در سراسر دنیا است که طی سال‌های پس از پروسترویکا رشدی چشمگیر داشته و نقش روز افزون در حیات سیاسی و اجتماعی جامعه یافته است.

قتل ناچوانمردانه رهبر حزب کمونیست افریقای جنوبی بطور قطع کار کسانی است که از شدت یاس خود را عاجز می‌یابند تا پیشرفت روند صلح را متوقف کنند. کسانی که در اثر پیشرفت مذاکرات یا صلح چیزهایی را از دست می‌دهند. و در مقابل می‌خواهند از کشور و مردم آن انتقام بگیرند. حتی اگر آتش‌نمازهای قومی و نژادی، افریقای جنوبی را به آتش بکشند.

ما از فاجعه قتل کریس هانی سخت متأثر و متأسفیم و امید داریم که نقشه مدافعین آپارتاید برای به آتش کشیدن افریقای جنوبی، نقش بر آب شود.

آست که جامعه افریقای جنوبی در آستانه انفجار است. محافل دست راستی و افراطی سفیدپویند ردپای بازگشت روزهای خوش دیروز را در سردراندوسر سخنانه از آپارتاید رسماً دفاع میکنند. آنها سیاست ارباب نیروهای ضدآپارتاید و نیز اعمال فشار بر دکلرک را پیش می‌برند و میکوشند دکلرک نخست وزیر را در روند اصلاحات ناپیچگرت از آن کنند که هم اینک است. بخشی از سیاهان نیز به مذاکره و توافق با دولت سفیدها کوچکترین اعتمادی ندارند و فشار و اعمال زور رایگان راه ممکن برای تحقق ایده‌آل‌ها تلقی می‌کنند.

در چنین شرایط قتل ناچوانمردانه کریس هانی رهبر حزب کمونیست میتواند یک شوک جدی به روند صلح و در جهت تخریب آن تبدیل شود. بی‌مورد نیست که رهبران A.N.C. بلافاصله بعد از قتل، مردم را به خویشتن داری دعوت کردند و ترور را مستجابانه هوملی نسبت داده‌اند که تلاش دارند با شعله ور کردن خشونت، کشور را به نابودی بکشانند. آقای جواسلوو جانشین صدر حزب کمونیست از تمام کلیساها خواهش کرد بزرگداشت کریس هانی را در برنامه خود بگنجانند. او خواستار یک تحقیق مستقل

هانی است. کریس هانی مخالفین را به تخریب شخصیت و اهداف خود متهم می‌کرد. او در این اواخر به حمایت از روند مذاکرات میان A.N.C. و دولت سفید برخاسته بود و رسالت خود می‌دید که از نفوذ خویش جهت جلب جوانان سیاه به حمایت از صلح و توافق تا بدانجا که ممکن است بهره گیرد. او با نلسون ماندلا همکاری نزدیک داشت و معاون وی بود. ترکیب ماندلا، هانی و وسیع‌ترین طیف گرایش‌های سیاسی در افریقای جنوبی را بسوی خود جلب می‌کرد. مردم در چهره ماندلا انعطاف و سازش و در سیمای کریس هانی استقامت و سرسختی را می‌دیدند.

کریس هانی در سال ۱۹۸۷ رهبر شاخه نظامی A.N.C. شد و در همان وقت به عنوان جانشین جواسلوو، رهبر حزب کمونیست انتخاب گردید. کریس هانی دارای همسر و سه فرزند بود و به تازگی به یک محله مختلط ژوهانسبورگ نقل مکان کرده بود. بسیاری و حتی خود او بارها اخطار کرده بودند محله و خانه جدید امن نیست و خطر آشکارا جان کریس هانی را تهدید میکند. گرچه میان A.N.C. و دولت دکلرک مذاکرات ادامه دارد و توافق‌های مهم نیز حاصل شده است، اما همه واقعتاً حاکی از

## روسیه؛ تداوم بحران، آینده مبهم

به برخی از نقاط جهان از جمله ایران بوده است. در صورت موافقت روسیه با چنین شرطی تحویل جنگ افزارهای روسی و از جمله زیر دریایی‌های خریداری شده به ایران و احداث دویروگاه اتمی در گرگان که قرارداد آن

اخیراً میان تهران و مسکو به امضاء رسید، نیز احتمالاً به حال تعلیق در خواهد آمد.

مسئله قدرت سیاسی در روسیه همچنان لاینحل مانده است و هوملی همچون وخامت اوضاع اقتصادی، سیاست خارجی شدیداً قرب‌گرا و دنباله روانه دولت یلتسین و نیز افزایش نفوذ

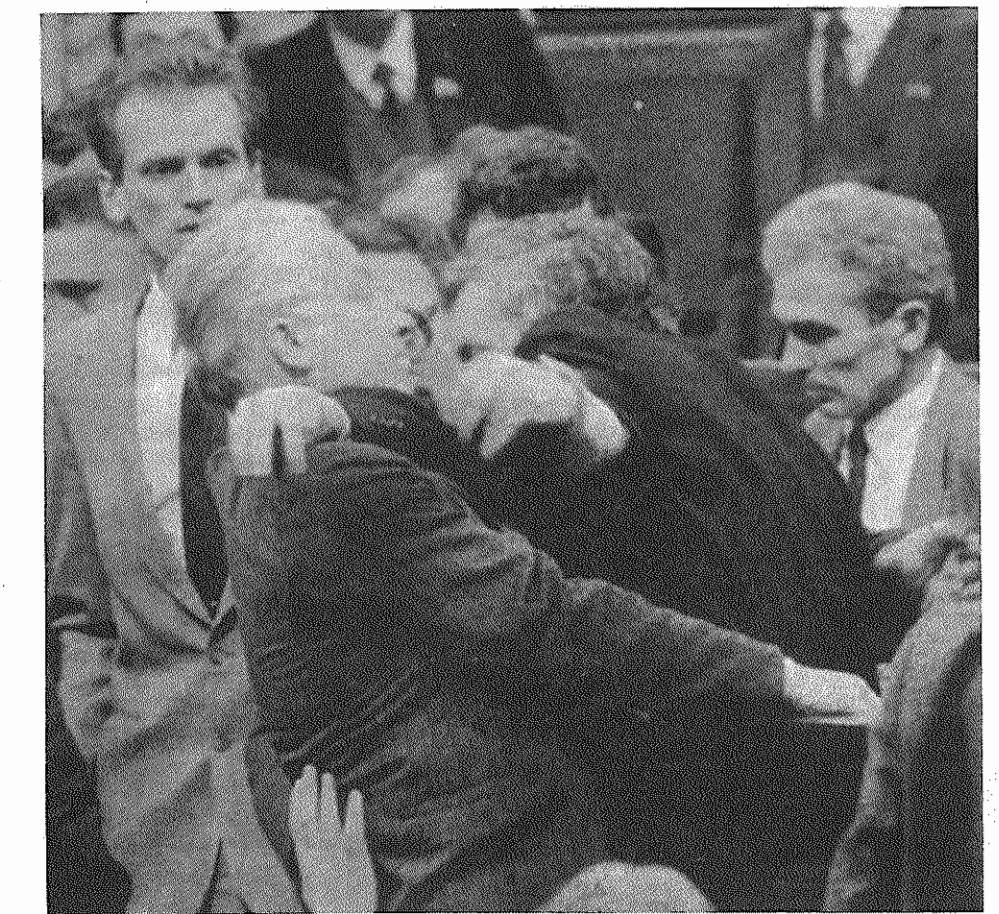
انگلیسی و لاتین بود و به شعر رمانتیک دلبستگی فراوان داشت. اما شرایط اجتماعی او را بسبب دیگری سوق داد. در سال ۱۹۵۷ به اتحادیه جوانان A.N.C. پیوست و زمانی که دانشجوی دانشگاه بود، به هلت شرکت در اعتراضات سیاسی از دانشگاه اخراج شد و چندی بعد طبق قانون سیاه منع فعالیت کمونیستی بازداشت گردید. با آزادی از زندان فعالیت مخفی آغاز کرد و با انتقال به شاخه نظامی A.N.C. خیلی زود به جنگ‌های چریکی پیوست.

در سال ۱۹۹۵ بعد از تغییرات در سیاست حکومت سفیدپوستان حاکم و اعلام در تضمین آزادی فعالیت A.N.C. و حزب کمونیست، از تبعید به کشورش بازگشت. او تا این اواخر به ثمر بخشی مذاکره با حکومت دکلرک اعتقادی نداشت و همواره تأکید میکرد که در صورت شکست مذاکرات باید قدرت‌های سیاسی را از طریق اعمال زور تسخیر کرد. او دارای محبوبیتی بی نظیر در میان نسل جوان افریقای جنوبی است و گرایشهای سیاسی رادیکال سیاهان سخت تحت تأثیر سیاست و مواضع او هستند. همسر سابق ماندلا که با محافل چپ رادیکال بسیار نزدیک است از سرسخت‌ترین حامیان کریس

ادامه از صفحه ۱۲

یلتسین در اجلاس آینده رهبران ۷ کشور صنعتی حضور یابد و برای پیشبرد سیاستهای خود در روسیه، کمکهای مالی بیشتری از غرب تقاضا کند. با اینهمه به نظر نمیرسد که یلتسین بتواند با اینگونه کمکها از پس بحران سیاسی و اقتصادی روسیه برآید و راه حلی قطعی برای آن پیدا کند، چرا که صرف نظر از ناتوانی غرب و شرط و شروط آن در انجام تعهدات خود، وضعیت اقتصادی روسیه ظرف سال گذشته چنان وخامتی یافته که سیاست‌های ریگانیستی و شوک گونه یلتسین و کمکهای مالی غرب نمیتواند آن را مهار کرده و به سامان آورد. بر اثر اجرای سیاست‌ها و روشهای نسنجیده و تقلیدی یلتسین در اقتصاد روسیه، قیمت کالاها و مایحتاج عمومی ۴ برابر شده، تولید ناخالص ملی ۳۵ درصد و بازدهی نیروی کار ۲۸ درصد کاهش یافته، صادرات از ۵۰ میلیارد دلار در سال به ۳۸ میلیارد رسیده، بر میزان بدهیهای خارجی ظرف یکسال ۱۵ میلیارد دلار افزوده شده و تورم به مرز سرسام آور ۸۰۰ درصد رسیده است. دولت روسیه اخیراً برای مهار بخشی از مشکلات اقتصادی خود و تأمین ارز بیشتر، بر تولید و صدور تسلیحات نظامی افزوده و به برخی اعتراضات و انتقادات دولتهای غربی در این زمینه واقعی نهاده است. با اینهمه در دیدار اخیر یلتسین و کلینتون، یکی از شروط آمریکا برای اعطای کمکهای مالی، خودداری روسیه از ارسال سلاح و تجهیزات هسته‌ای

روز افزون بود. یلتسین پیوسته بر شدت آن می‌افزاید. این روند در ادامه خود اگر مصالح و آرامش مردم نایده گرفته شود و قدرت طلبی و روشهای دیکتاتور مآبانه جایگزین درایت سیاسی و موازین دمکراتیک گردد، میتواند پیامدهای خطرناکی هم برای روسیه و هم برای روندهای جهانی به دنبال داشته باشد.



اختلاف نظر شدید، کار را به جدال میان نمایندگان کنگره کشانده است!

## رهبران صرب در برابر برقراری صلح مقاومت می‌کنند

قطع کامل ارتباط یوگسلاوی با جهان خارج، مصادره همه کشتی‌ها و کامیونهای یوگسلاوی در خارج، مسدود کردن اموال و داراییهای خارجی صربستان و مونتنگرو پیش بینی شده است. پیش بینی میشود که در صورت عدم مخالفت روسیه با این طرح و به عمل درآمدن کامل آن، صربها به پذیرش طرح صلح تن در دهند.

ادامه از صفحه ۱۲ روز ۱۲ آوریل در صورت پافشاری صربها بر مواضع خود (عدم پذیرش صلح) طرح انزوی کامل یوگسلاوی را مورد بحث و بررسی قرار دهد. چنانکه میدانیم یوگسلاوی (صربستان و مونتنگرو) پشتیبان اصلی صربهای بوسنی در تداوم جنگ میباشد. در طرح مذکور

## تشدید جنگ میان ارمنستان و آذربایجان

### تشدید سرکوبگری های اسرائیل و ابهام در ادامه مذاکرات صلح

سوال قرار گرفته است. نمایندگان فلسطینی در دیدار اخیر خود با وزیر خارجه آمریکا برای شرکت در این مذاکرات شرطهایی همچون روشن تر شدن طرح خودمختاری پیشنهاد شده برای مناطق اشغالی، تعیین موقعیت اداری شرق اورشلیم در این طرح، پایبندی دولت اسرائیل به رعایت حقوق بشر در مناطق اشغالی و ضمانت در مورد توقف کامل اخراج فلسطینیها از موطن خویش را مطرح نموده اند. کریستوفر از پرداختن به این خواسته ها سر باز زده و صحبت در باره آنها را به زمان بعد از مذاکرات آوریل موکول کرده است.

در دیدار وزیرای خارجه مصر، لبنان، اردن و سازمان آزادیبخش فلسطین در دمشق، آنها ضمن صدور بیانیهای مواضع جانبدارانه آمریکا را به باد انتقاد گرفتند، اما نتوانستند در مورد شرکت یا عدم شرکت در دور جدید مذاکرات صلح به توافق برسند. اتخاذ موضع مشترک در این زمینه به نتایج دیدار هفته گذشته حسنی مبارک از آمریکا مشروط شده بود، اما به نظر نمی رسد که رئیس جمهور مصر در تغییر مواضع جانبدارانه آمریکا نسبت به اسرائیل و متقاعد کردن رهبران کاخ سفید برای فشار بر تل آویو توفیقی بدست آورده باشد.

با کشته شدن چند مأمور اسرائیلی در مناطق اشغالی، دولت تل آویو ارتباطات این مناطق را با سایر نقاط اسرائیل قطع کرده و از رفتن فلسطینیها به سرکارهای خود جلوگیری به عمل می آورد. بدین ترتیب صدها هزار فلسطینی شاغل در اسرائیل از کار و درآمد خود محروم و خانه نشین شده اند. پس از اخراج ۴۰۰ فلسطینی از سوی دولت اسرائیل و رهاساختن آنها در بیابانهای جنوب لبنان، این دومین اقدام سرکوبگرانه جمعی و غیر انسانی دولت شیمون پرز در حق فلسطینیها است. ساف از این اقدام بعنوان "ترور جمعی" یاد کرده است.

با به درازا کشیدن مذاکرات صلح و بی نتیجه ماندن آن، سرخوردگی و یاس در میان فلسطینیان ساکن مناطق اشغالی شدت بیشتری یافته و مواضع افراطی و متکی به قهر گرومهایی همچون حماس هواداران بیشتری می یابد. مسبب اصلی این وضعیت نیز قبل از همه دولت اسرائیل است. زیرا از آغاز مذاکرات صلح نه تنها حسن نیت و موضع صلح خواهانه ای از خود نشان نداده، بلکه با روی کار آمدن کلیتون در آمریکا مواضع سرسختانه تری اتخاذ کرده و بر شدت اقدامات سرکوبگرانه خود افزوده است. هم اکنون آغاز دور جدید مذاکرات صلح که باید در ۲۰ آوریل برگزار شود، زیر علامت

ارمنستان به آذربایجان باشد. به هر جهت اقدامات اخیر نیروهای نظامی ارمنی به زیان صلح و همزیستی مسالمت آمیز و به زیان منافع تمامی مردم منطقه است. اقداماتی از این دست از جمله با فراهم آوردن زمینه دخالت نیروهای خارجی به بی سرو سامان تر شدن منطقه و فلاکت هر چه بیشتر مردم آن می انجامد. مسئله قره باغ به راه حل های سیاسی رفع شود.

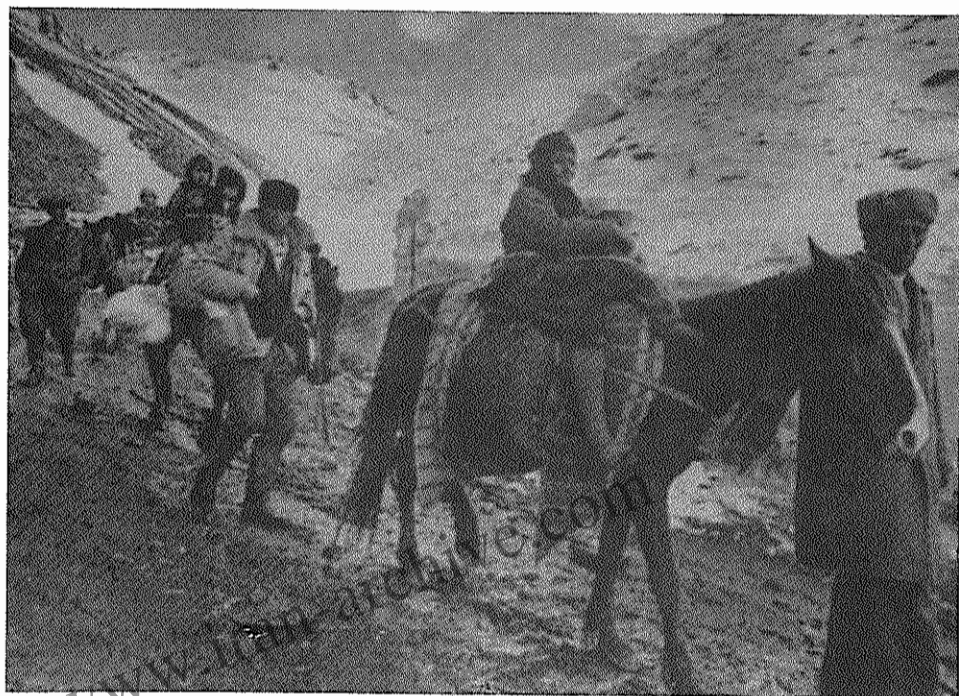
از مرزهای دو جمهوری فراتر برده و با دخالت نیروهای خارجی منطقه دستخوش درگیری و آشوبی گسترده گردد. این اقدامات منجر به عقد قرارداد آتش بس میان طرفین متخاصم گردید. ولی این قرارداد یک روز پس از توافق بر سر آن نقض شد و تبادل آتش طرفین از سر گرفته شد. به نظر می رسد داشتن دست بالا در مذاکرات صلح بین دو کشور، موجب اصلی تعاجم اخیر

ارمنستان از شورای امنیت سازمان ملل خواست که در یک جلسه فوق العاده به بررسی اوضاع منطقه بپردازد. در این میان تورگوت اوزال، رئیس جمهور ترکیه تهدید کرده است که در صورت عدم عقب نشینی ارمنستان از خاک آذربایجان، عملاً وارد جنگ خواهد شد. گرچه این موضع مورد انتقاد سلیمان دمیرل و تعداد دیگری از سیاستمداران ترک قرار گرفته، لیکن بعید نیست که تداوم جنگ، دامنه آن را

در روزهای اول آوریل نیروهای ارمنستان طی یک حمله گسترده به خاک جمهوری آذربایجان، یک دهم خاک این جمهوری را به تصرف در آورده و گذرگاه دیگری بین ارمنستان و منطقه قره باغ ایجاد نمودند. تره باغ در درون خاک آذربایجان واقع است، ولی اکثریت اهالی آن ارمنی هستند. مناقشه آذربایجان و ارمنستان بر سر اداره تره باغ از سال ۱۹۸۹ تاکنون به کشته شدن شمار کثیری از نیروهای طرفین و بی خانمانی و مهاجرت بخشی از اهالی دو جمهوری انجامیده است. بر اثر حمله اخیر عده ای از اهالی آذری منطقه درگیری کشته و ۶۰ هزار نفر آنها به کوههای برف زده اطراف فرار کرده اند.

مقامات مسئول در ایروان شرکت نیروهای ارمنستان در این حمله را تکذیب کرده و آن را به ارمنی های تره باغ نسبت داده اند. اما نیک پیداست که ارمنی های تره باغ از امکانات و تجهیزات لازم برای چنین حمله گسترده ای برخوردار نیستند.

با تشدید جنگ در اطراف قره باغ، تلاش های سازمان امنیت و همکاری اروپا برای یافتن راه حلی صلح آمیز به حال تعلیق درآمد و گفتگوهای صلح ژنو که با شرکت ارمنستان، آذربایجان، روسیه و ترکیه جریان داشت به تفویض افتاد. ایچی بیگ، رئیس جمهور آذربایجان ضمن متمم کردن روسیه به حمایت از



روستایان آذری از ترس جان دار و ندار بر دوش آواره دشت و بیابان شده اند.

### سانحه اتمی در تومسک روسیه

رسانده اند. از نکات جالب توجه در حاشیه این سانحه این است که قرب پیرامون واقعه اخیر به هیامونی تبلیغاتی نمی پردازد. در حالی که در زمان وقوع پیوستن حادثه چرنوبیل رسانه ها و دول غربی جار و جنجال شدیدی در حول و حوش آن برافراشته کردند. وقوع پی در پی سوانحی از این دست رنگ خطر فاجعه ای را به صدا در می آورند که گریبان بشریت را خواهد گرفت. باید تلاش دانش بشری بر این راستا متمرکز باشد که از منابع کم خطر برای تامین انرژی مورد نیاز خود بهره جوید. حتی اگر بهره وری از این منابع نیازمند سرمایه گذاری های قابل توجه اولیه باشد.

در اوایل آوریل سانحه اتمی بزرگی در یک کارخانه پلوتونیوم واقع در شهر تومسک در سیبری غربی به وقوع پیوست. گزارشها پیرامون شدت این سانحه و میزان آلودگی رادیواکتیو محیط بشدت متناقض است. در حالی که مقامات روسیه در پی کوچک جلوه دادن ابعاد این سانحه اند، سازمان های حفاظت از محیط زیست واقعه رخ داده را بزرگترین سانحه اتمی پس از انفجار تاسیسات هسته ای چرنوبیل نامیده اند. آخرین گزارشها حاکی از آن است که این سانحه در اثر بی دقتی کارکنان کارخانه مذکور بوجود آمده است. آن ها حین نظارت محوطه کارخانه به لوله های ارتباطی به شدت آسیب

### روسیه؛ تداوم بحران، آینده مبهم

همه پرسی با چنین سوالاتی نقض فرض بوده و کمکی به حل بحران قدرت در روسیه نخواهد کرد، چرا که مسئله کانون اصلی قدرت (رئیس جمهور یا پارلمان) مسکوت و لاینحل میماند. در واقع تصد یلتسین از انجام همه پرسی آن بود که نظر مردم درباره اینکه قدرت اصلی در دست چه نهادی باشد، پرسیده شود. از این روی مصوبات کنگره را مخدوش و ناقض قانون اساسی دانسته و علیه آنها به دادگاه قانون اساسی شکایت برده است. یلتسین به منظور تامین موفقیت در همه پرسی ۲۵ آوریل، کارزار تبلیغاتی گسترده راه انداخته است و در این تبلیغات بر دو عامل تهدید مخالفان و تقویت روحیه طرفداران متزلزل خود تاکید می کند. او می گوید که در صورت برکناری وی روسیه تجزیه شده و خطرات مهار ناپذیر اتمی سر بر خواهد آورد؛ و در همین حال می گوید که موفقیتش در رفراندوم قطعی است.

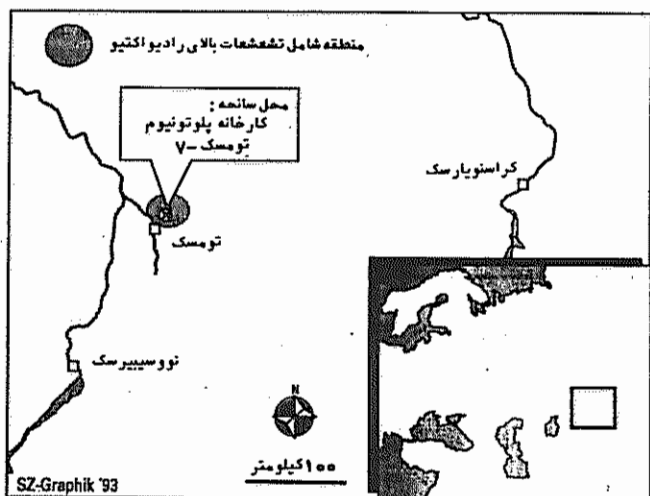
در همین حال رئیس جمهور آمریکا در دیدار چند روز پیش خود با یلتسین در کانادا قول داد که وی را بایک کمک ۱/۶ میلیارد دلاری در راه بازسازی اقتصاد روسیه یاری کند تا از این رهگذر نقش و نفوذ نیروهای مخالف کاسته شود. همچنین قرار است که

کنگره خلق روسیه در آخرین روز اجلاس خود (۲۹ مارس)، پس از آنکه طرح برکناری یلتسین از قدرت رای لازم را نیاورد، با تصویب قطعنامه هایی به کار خود پایان داد. این قطعنامه ها پیش از آنکه کمکی برای حل بحران سیاسی در روسیه باشد، خود میدان جدیدی را برای کشاکش های تازه میان کنگره و یلتسین فراهم آورده است. کنگره در مصوبات خود پذیرفت که همه پرسی مورد نظر یلتسین در ۲۵ آوریل برگزار شود، به شرط آنکه در آن از مردم تنها سؤالی مطرح شود که زیر بعمل آید: ۱- آیا شما به یلتسین اعتماد دارید؟ ۲- آیا شما از سیاست های اقتصادی و اجتماعی یلتسین در سال ۱۹۹۲ راضی هستید؟ ۳- آیا با انتخابات زودرس رئیس جمهور و کنگره موافقت می کنید؟ کنگره همچنین از نمایندگان ویژه یلتسین در امر اصلاحات در جمهوریها و مناطق مختلف روسیه خلع ید نمود و رئیس جمهور را موظف کرد که یک دولت آشتی ملی تشکیل دهد. علاوه بر آن اختیار ویژه نظارت یلتسین بر رسانه های گروهی لغو و شورای امنیت ملی روسیه نیز منحل اعلام گردید. در میان محافل هوادار یلتسین نظر بر آن است که انجام

### رهبران صرب در برابر برقراری صلح مقاومت می کنند

موقتی را که چند روز پیش از امضای این طرح برقرار شده بود، پیوسته نقض می کنند. شورای امنیت سازمان ملل برای زیر فشار گذاشتن صربها جهت امضای طرح تقسیم بوسنی، سرانجام تغییر موضع روسیه قطعنامه ای را به تصویب رساند که بر اساس آن نیروهای این سازمان میتوانند جهت اجرای عملی منع پرواز بر فراز بوسنی، هواپیماها و هلی کوپترهای صربها را مورد حمله قرار دهند. با اینهمه مصوبه فوق بیشتر جنبه نمایشی دارد و نتوانسته است صربها را به تغییر موضع و امضای طرح وادار کند. بارد طرح از سوی مجلس خود خوانده صربها در بوسنی، هم اکنون در سازمان ملل مذاکرات فشرده ای برای اعمال مجازاتها و تحریم های بیشتر علیه یوگسلاوی (صربستان و مونتنگرو) در جریان است. در واقع قرار بود که شورای امنیت سازمان ملل در هفته اول آوریل در باره این تحریم ها به اتخاذ تصمیم بپردازد، لیکن بنابه تقاضای یلتسین از کلیتون، این امر یک هفته به تعویق انداخته شد. بر این اساس قرار است که شورای امنیت

پس از رد چندین باره طرح تقسیم بوسنی و هرزه گویی از سوی صربها و مسلمانها، سرانجام در اواخر مارس گذشته هرت بیگوچ رهبر مسلمانها پس از انجام پارهای تغییرات در این طرح، با امضای آن موافقت نمود و بر اساس طرح اصلاح شده، بوسنی و هرزه گویی به ۹ ایالت تقسیم خواهد شد که مسلمانها در ۴، صربها در ۳ و کروواتها در ۲ ایالت اکثریت جمعیت را تشکیل خواهند داد. تفاوت این طرح با طرح اولیه در آن است که مناطق اطراف ساریوو نیز به صورت یک ایالت درآمده که اکثریت جمعیت آن را مسلمانها تشکیل میدهند. بدین ترتیب، به مسلمانها به جای ۳ ایالت، ۴ ایالت تعلق خواهد گرفت. خود ساریوو برای یک دوران گذار پایتخت دولت مرکزی خواهد بود که ۹ نماینده (از هر کدام از طرفهای درگیر ۳ نماینده) در آن حضور خواهند داشت. در صورت اجرای این طرح سهم صربها از خاک بوسنی و هرزه گویی از ۷۲ درصدی که هم اکنون در تصرف آنهاست به ۴۲ درصد کاهش خواهد یافت. به رغم موافقت مسلمانها و کروواتها با طرح مذکور، صربها از پذیرش آن سر باز زده و آتش بس



ادامه در صفحه ۱۱

ادامه در صفحه ۱۱